

## توضیحات:

- ویژه کنکور اختصاصی دانشگاه فرهنگیان
- آزمون پذیرش دانشجو - معلم
- خلاصه + نکات مهم
- بخش های آزمون: ۳ فصل اول

خلاصه و نکات مهم

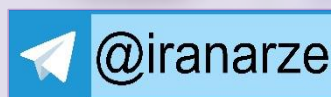
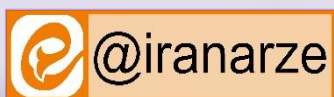
مهارت معلمی

استاد محسن قرائتی

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات استخدامی مهارت معلمی، اینجا بزنید

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات کنکور اختصاصی دانشگاه فرهنگیان ، اینجا بزنید

« انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه، مجاز می باشد »



**فهرست مطالب** (برای مراجعه به هر بخش، روی عنوان بزنید)

❖ **فصل اول: خلاصه مهارت معلمی استاد محسن قرائتی - صفحه ۲**

❖ **فصل دوم: نکات مهم مهارت معلمی استاد محسن قرائتی - صفحه ۲۴**

## فصل اول: خلاصه مهارت معلمی استاد محسن قرائتی

### فصل اول

ارزش و امتیاز کار معلمی

با قاطعیت میتوان گفت که معلمی فراتر از همه کارها و سرآمد همه شغلهاست. معلم نیاز به حقوق و تأمین نیازهای زندگی دارد؛ اما هیچگاه به کار مهمش از دریچه مادیات نمینگردد. در این فصل، برخی از امتیازات و ارزشهای معلمی را مرور میکنیم.

۱. معلمی شغل نیست؛ عبادت است

بعضی از کارها از چنان قداستی برخوردارند که وصف شغل برای آنها سبک می‌نماید معلمی هم یک کار مقدس محسوب می‌شود یا عبادت چند منظوره است و همچنین کار پیامبران تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه بوده است

معلمی انتقال علم و تجربه، انقاد غریق و کلید عزت بصیرت و مصونیت است چنانچه که در سوره الرحمن می‌خوانیم «الرحمن علم القرآن» خداوند رحمان قرآن را تعلیم فرمود.

۱۳ آیه در قرآن به سوال‌های مردم از پیامبر اکرم اختصاص یافته که با کلمه «سنلونک» همراه است این نشان می‌دهد که پیامبر معلم مردم بوده است.

"معلم" واژه ای است که بار معنایی خاصی دارد و نباید به آن نگاه عادی نمود. این واژه، همانند برخی از واژه های مقدس، حامل معانی بلندی است. تقلیل مفهوم معلمی به یک شغل ساده، کوتاه بینی است.

۲. معلمی یک انتخاب صحیح است

هر انسانی یک شغل را انتخاب میکند؛ ولی مهم آن است که در آن شاغل با چه چیزی سروکار دارد و تأثیر کارش تا کجاست. تعلیم و تربیت مبارکترین کاری است که خداوند آن را بر دوش انبیا و اوصایا گذاشته است. در زمان طاغوت، به سراغ برخی از مبلغین رفتند و با پرداخت مبالغی آنان را جذب نظام شاهنشاهی کردند. آنها از زیر بار شغل شریف معلمی، شانه خالی کردند و با حضور در دستگاه فاساد، به دنیا روی آوردند. در آن روز، آیت الله العظمای گلپایگانی فرمود: "اگر طلبه ای به جای تبلیغ و تحصیل دین، سراغ دربار رفت و بازوی آنان شد، نگوید: رفتم؛ بلکه بگوید: لیاقت نداشتم و امام زمان مرا از حوزه بیرون انداخت."

۳. معلمی در نگاه معصومین جایگاه رفیع دارد:

اهل بیت از مقام معلمی و ارزش آن تجلیل فراوانی کرده‌اند در فرهنگ اسلامی از رهبر آسمانی با تعابیری چون معلم مربی یا پدر یاد شده است. در خصوص جایگاه ممتاز معلمان و ارزش آنان نزد معصومین روایت فراوانی وجود دارد از جمله این فرموده رسول خدا فرمودند: "بالاترین صدقات آن است که انسان چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد". و فرمودند "راهنمایی کننده به راه خیر مانند انجام دهنده آن است"

امام باقر فرمود «تمام جنبندگان زمین و ماهیان دریا و هر موجود کوچک و بزرگی که در زمین و آسمان خداست، برای تعلیم دهنده امور نیک استغفار می‌کنند»

۴. تربیت کار خداست

در قرآن کریم بعد از نام مبارک الله بیشترین نامی که برای خدا به کار رفته "رب" است ناگفته پیداست ربوبیت زمانی کامل است که بر اساس علم، حکمت، مصلحت، رحمت باشد که خداوند همه را دارد.

معلم تنها علم خود را منتقل نمی‌کند، بلکه همه کمالات را با رفتار و گفتار و اخلاق خود به دیگران منتقل می‌کند، زمانی که شاگرد به یأس گرایش پیدا می‌کند روح امید را در او بدمد و هنگامی که شاگرد به غرور گرایش پیدا می‌کند او را هشدار دهد.

امام سجاد در دعای مکارم الاخلاق که از خداوند می‌خواهد: «الهی انطنی بالهدی و الهمنی التوی، خدایا زبانم را به هدایت باز کن و تقوا را به من الهام کن. انسانی که به این مقام برسد خدایی می‌شود و همین که خدایی شد می‌تواند همه امکانات و ابزارها را در مسیر رضای خدا به کار گیرد و انسان‌های خدایی تربیت کند. اتصال معلم و استاد و مربی به خداوند متعال نقش مهمی در انجام مسئولیت آنها - که همانا ارشاد و هدایت مردم است - دارد؛ لذا از آدم دینی به عالم ربانی تعبیر می‌شود یعنی عالمی که سر و کارش با پروردگار است در راه خدا و برای خدا و با اسلوب و اخلاق خدایسندانه تعلیم می‌دهد از خداوند متعال صفت ربوبیت را می‌گیرد به دیگران منتقل می‌کند. امام سجاد علیه السلام در دعاهای مکارم الاخلاق از خداوند می‌خواهد «خدایا زبانم را به هدایت باز کن و تقوا را به من الهام کن» انسانی که به این مقام برسد خدایی می‌شود و همین که خدایی شد می‌تواند همه امکانات و ابزارها را در مسیر رضای خدا به کار گیرد و انسان‌های خدایی تربیت کند

#### ۵ معلم کار پنج گروه از مهندسان را میکند

ماشینی که سوارش می‌شویم، نتیجه کار پنج گروه از مهندسان است:  
مهندسانی که مسئول کشف معدن هستند؛  
مهندسانی که مسئول استخراج مواد هستند؛  
مهندسانی که مسئول ذوب مواد هستند؛  
مهندسانی که مسئول قطعه سازی و طراحی قطعات ماشین هستند؛  
مهندسانی که مسئول مونتاژ قطعات و نظارت بر آن هستند.  
اما یک معلم باید به تنهایی، کار این پنج گروه را روی انسانها انجام دهد:  
استعدادهای شاگردش را کشف کند؛ شاگرد را از انحرافی که به آن گرفتار شده است، خارج کند؛ با اخلاق و رفتار و محبت، شاگرد را به درس علاقه مند کند؛ - با تدریس و تعلیم و تربیت، شاگرد را بسازد؛ با سعه صدر، تربیت شدگان را به هم متصل کند و جامعه را تشکیل دهد.

#### ۶. معلم با گران ترین گوهر هستی سر و کار دارد:

موجودات به چهار دسته تقسیم می‌شوند جامدات، نباتات، حیوانات و انسان‌ها. اگر انسان درست تربیت شود از فرشته برتر می‌شود و اگر منحرف گردد از هر حیوانی پست‌تر خواهد شد معلم نمی‌گذارد که گوهر انسانیت نابود و مغفول شود. غفلت انواعی دارد:

-عده‌ای از خدا غافلند(نسوا الله)

-عده‌ای از قیامت غافلند (نسوان یوم الحساب)

-عده‌ای از وظیفه خود غافلند (کذلک اتک آیاتنا فنسیتها)

-عده ای از محرومان غافلند (ولم تک نطعم المسکین)

-عده‌ای از توانمندی‌های خود غافلند و نمی‌دانند که چه موجودی هستند

-عده‌ای از ارزش عمر خود غافلند به عمر خود را صرف کارهای لغو می‌کند

معلم نمی‌گذارد که گوهر انسانیت نابود و مغفول شود قرآن کریم درباره بعضی از انسان‌ها می‌فرماید: «آنها مثل حیوانات هستم بلکه پست‌تر» پس دلیل انحراف آنها را اینگونه بیان می‌کند «اولنک هم الغافلون»

#### ۷. کار روی فکر افراد ماندگار است:

یکی از نشانه‌های برتری اعمال ماندگاری آثار آن است چنانچه که حضرت ابراهیم از خدا خواست که در تاریخ ماندگار باشد «اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» «و در میان آیندگان نام نیکی برای من قرار بده» و خداوند نیز دعای او را اینگونه پاسخ داد: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» «آن کلمه توحید را در میان نسلش کلمه ماندگار قرارداد باشد که آنان بازگردند»

معلم باید بداند که ماندگارترین کار تعلیم و تربیت است آن هم بر روی نسل جوان که تاثیر پذیری و ماندگاری آن بیشتر است

#### ۸. کلاس داری را ساده ننگریم

چه بسا برخی از افراد کلاس داری را یک کار عادی تلقی کنند به ویژه اگر مخاطبان از سن پایین تر باشند در حالی که هم کلاس داری مهم است و هم مخاطبانی که از نسل نو هستند

آیت الله عظمی گلپایگانی یکی از مراجع بزرگ تقلید وقتی راجع به کلاس مرا ببینند تابلو و تخته سیاهی را به منزل ایشان بردم و برای ایشان نمونه‌هایی از درسی که برای نسل نو می‌گفتم ارائه دادم سپس به ایشان گفتم «من امکان فقیه شدن دارم ولی فعلاً معلم شده‌ام» ایشان فرمود «این راهی که شما پیش گرفته‌ای الان بیشتر مورد نیاز است و امام زمان راضی است انشاءالله»

#### ۹. معلم ربانی هادی و ناجی بشر است:

قرآن کریم یکی از وظایف انبیا را رهاسازی افکار جامعه از غل و زنجیرهایی برشمرده است که به آن گرفتار شده بودند: " وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ " و از آنان بار گران و بندهایی را که بر آنان بوده است، برمیدارد.

علم حقیقی نگاه انسانی را توحیدی می‌کند در حدیث می‌خوانیم « ثَمَرَةُ الْعِلْمِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ » ثمره علم شناخت خداوند است. و همچنین: " ثَمَرَةُ الْعِلْمِ الْعِبَادَةُ " ثمره علم، بندگی خداوند است.

مشکل بزرگ امروز جامعه بشری جدا شدن «اقرا» از «اسم ربک» جدا شدن «یعلمهم» از «یزکیهم» جدا شدن مادیات از معنویات جدا شدن دنیا از آخرت و در یک کلام جدا شدن علم از دین است معلم ربانی هادی و ناجی است ورزش کار او به حیات دل‌ها و نجات انسان است.

#### ۱۰. کار خود را مقدس بدانیم

علم را مقدس بدانیم زیرا خداوند هم به قلم قسم خورده است هم به آنچه نوشته می‌شود: ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ.

اسلام برای آموزش هیچ محدودیتی قائل نیست:

-نه محدودیت زمانی: از گهواره تا گور علم بیاموزیم

-نه محدودیت مکانی: اگر علم در ثریا باشد مردانی از فارس به آن می‌رسند

-نه محدودیت جغرافیایی: دانش را بجوید گرچه در چین باشد

-نه محدودیت مقداری: چرا از هر گروهی از مردم دسته کوچ نمی‌کنند تا در دین فقیه شوند

-نه محدودیت جانی: عبارت «لو يعلم الناس ما فی طلب الهام لطلبوه ولو بسفک المهج و خوض اللجج» اگر مردم ارزش علم را می‌دانستند به سراغ آن می‌رفتند گرچه به قیمت جان خود و فرو رفتن در امواج دریا باشد

-نه محدودیت انسانی: «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوْرِي سَوْءَةَ أَخِيهِ» از خداوند زاغی را فرستاد به زمین را می‌کاوید تا به او نشان دهد که چگونه کشته برادرش را ببوشاند و دفن کند

-نه محدودیت مکتبی این سخن پیامبر اسلام که «بهای آزادی کسانی که در جنگ اسیر می‌شدن آموزش خواندن و نوشتن به ۱۰ نفر از مسلمانان قرار دارد» نشان دهنده نه به محدودیت مکتبی می‌باشد

خداوند با این روش به انسان اولیه آموخت که چگونه مرده خود را دفن کند: «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوْرِي سَوْءَةَ أَخِيهِ» از خداوند زاغی را فرستاد به زمین را می‌کاوید تا به او نشان دهد که چگونه کشته برادرش را ببوشاند و دفن کند

## ۱۱. تعلیم و تربیت باعث حیات معنوی مخاطب می‌شود:

حیات اقسام مختلفی دارد گیاهی، حیوانی، فکری و ابدی. مقصود از حیاتی که با دعوت انبیا فراهم می‌آید حیات حیوانی نیست چون این نوع حیات بدون دعوت انبیا نیز وجود دارد بلکه مقصود حیات فکری، عقلی، معنوی، اخلاقی، اجتماعی و در یک کلام حیات انسان در تمام زمینه‌هاست.

آیه «قدمت لحياتی» که مجرمین در قیامت می‌گویند ای کاش برای زندگی امروز چیزی از پیش فرستاده بودم نشان دهنده حیات ابدی می‌باشد

اگر استاد رسالت خود را رسالت الهی نبوی و علوی بداند و اتصال خود را با خدا و اولیای خدا مستحکم کند واجد نفس مسیحایی می‌شود در این صورت کار معلم کار انبیا خواهد بود وگرنه انتقال علم بدون تزکیه مثل جدا شدن سوزن از نخ است که به جای دوزندگی سوراخ می‌کند و صدمه می‌زند.

آیه «الرحمن علم القرآن خلق الانسان» خداوند قرآن را آموخت و انسان را آفرید، اول راه هدایت سپس آفرینش انسان. این تعبیر بیانگر ارزش علم و معلم و تعلیم است و نشان می‌دهد که علم و فرهنگ بالاترین ارزش را دارد

## ۱۲. ارزش علم بیش از هر چیزی است

خداوند اونجا که سخن از آفرینش انسان است خود را کریم معرفی می‌کند **يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَرَّبَكَ رَبِّكَ أَلَمْ يَكْرِمْ \* الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَّلَكَ** «ای انسان چه چیز تو را در برابر پروردگار بزرگواری مغرور کرد و فریب داد؟ همون که تو را آفرید و استوار ساخت و متعادل کرد» ولی انجا که سخن از علم و فرهنگ است صفت «اکرم» را به کار می‌برد و می‌فرماید «قرا و ربك الاكرم»؛ «بخوان که پروردگار تو از همه گرامی‌تر است»

در سوره الرحمن نیز ابتدا به تعلیم قرآن اشاره می‌کند سپس آفرینش انسان: «الرحمن \* علم القرآن \* خلق الانسان» خداوند قرآن را آموخت و انسان را آفرید» آری باید قبل از ماشین راه ساخته شود، اول راه هدایت "علم القرآن" سپس آفرینش انسان. این تعبیر بیانگر ارزش علم و معلم و تعلیم است و نشان می‌دهد که علم و فرهنگ بالاترین ارزش را دارد

## فصل دوم

### صفات معلم

معلم باید برای ویژگی‌ها و خصوصیتی باشد که او را در عرصه تعلیم و تربیت موفق کند هر شخصی می‌تواند با تلاش و استمداد از حضرت حق ویژگی‌های مثبت خود را ارتقا دهد و اثرگذاری خویش را تقویت نماید در این فصل برخی از ویژگی‌ها و صفات معلم را مرور می‌کنیم.

#### ۱. سوز و حرص داشته باشد

اگر کسی برای اصلاح و تحول جامعه از درون سوز نداشته باشد مشتعل نباشد محال است بتواند جامعه‌ای را مشتعل سازد. خداوند تعالی خطاب به پیامبرش می‌فرماید «شاید خویشتن را هلاک کنی که چرا آنها ایمان نمی‌آورند» اشاره به صفاتی است که می‌تواند در تعلیم و تربیت موثر باشد که همان داشتن سوز و حرص به اندازه است، معلم باید هر دانش آموز یا دانشجو را فرزند خود بداند در تعلیم و تربیت او حریص باشد و برای سستی و بی‌توجهی و بی‌حالی او غصه بخورد.

اگر کسی برای اصلاح و تحول جامعه از درون سوز نداشته باشد و مشتعل نباشد محال است بتواند جامعه را مشتعل سازد. یکی از صفات برجسته انبیا الهی سوز و گداز آنها برای هدایت و سعادت انسان‌ها بود. داشتن سوز یک کمال است.

#### ۲. سعه صدر داشته باشد

استاد و مربی و معلم باید دارای روح بزرگ باشد که تحمل بی‌مهری‌ها، جسارت‌ها و سرسختی دیگران را داشته باشد.

برخورد نرم با افراد ناهل و داشتن سعه صدر در مقابل آنها برای همه لازم است. سعه صدر برای هر مسئولی لازم است حضرت علی می‌فرماید ابزار ریاست سعه صدر است « أَلَّةُ الرَّئِاسَةِ سَعَةُ الصِّدْرِ »

#### ۳. بی‌تکلف باشد

تکلف این است که انسان کاری را با مشقت و صنعه انجام دهد در زندگی، کار، پوشش، گفتار و رفتار به خود سخت بگیرد مقید به پوشش پاس مدرسه خاص شاگردان ویژه و باشد و در یک کلام برای خود شائیتی ویژه قائل شود.

پیامبر اسلام به مردم میفرمود: «وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ، مَنْ أَهْلُ تَكْلَفٍ لَيْسَتْ لَهُمْ».

نشانه بی تکلفی سلام کردن به همه افراد، رفت و آمد با طبقه محروم، کمک کردن به همسر، توقع نداشتن از مردم، اقرار کردن به جهل و اقرار به برتری دیگران می‌باشد. معلم و مبلغ نباید با خواسته‌های غیر معقول و خارج از عرف مردم را دچار زحمت کنند همچنین هنگام خوردن غذا یا خوابیدن یا دیگر امور آداب و رسوم مردم را به هم نریزد و با ایشان همراهی کند

#### ۴. مخلص باشد

ما باید هم در تحصیل و هم در تعلیم و تبلیغ نیت خالصانه داشته باشیم. امام صادق می‌فرماید «کسی که طلب علم کند تا با ان به علما مباحث کند یا با صغیهان مجادله نماید یا اینکه مردم را متوجه خودش کند پس منزلگاهش را آتش قرار داده است»

معنای اخلاص آن است که از اول نیت اجر و پاداش نکنیم همانطور که قرآن در وصف اهل بیت می‌فرماید: ان هنگام که مسکین و یتیم و اسیر به در خانه‌شان آمد به آنها غذای افطار خود را به آنها دادند گفتند "لا نريد منكم جزاء ولا شكورا" ما از شما هیچ پاداش و تشکری نمی‌خواهیم.

ما را به عمل خالصانه تشویق میکند؛ چراکه خداوند در قبائل اخلاصشان، بهشت برین با انواع نعمتها را به آنان وعده داده و فرموده است: **إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيَكُمْ مَشْكُورًا** این، جزای شماست و کار شما مورد تشکر خداست. در خصوص اخلاص به سه نکته باید توجه کرد:

الف- اگر انسان به دست این و آن چشم بدوزد گرفتار می‌شود. ستایشگر گروهی می‌شود که به او کمک می‌کنند و از گروهی انتقاد می‌کند که به او کمک نمی‌کنند

ب- اخلاص، دانشگاهی است که ۴۰ روزه فارغ التحصیل بیرون می‌دهد. در روایات می‌خوانیم: «هر کس ۴۰ روز کارهای خود را خالصانه قرار دهد خداوند چشمه‌های حکمت را از قلبش بر زبانش جاری می‌کند»

ج- اگر ایمان و توحید قوی باشد و بدائیم کمی و زیادی ما فقط به دست خداست به آرامش و اخلاص می‌رسیم اگر بدائیم روزی به داشتن ثروت نیست بلکه روزی حقیقی در کامیابی است اخلاص می‌رسیم. چه بسیارند افرادی که برای دنیا دائماً تلاش می‌کنند جمعی به آن نمی‌رسد و گروهی هم که به دنیا می‌رسد از آن کامیاب نمی‌شود به تعبیر قرآن به جایی می‌رسند که با سوز دل می‌گویند «مال مرا بی‌نیاز نکرده و قدرتم محو شد»

#### ۵. خود را فارغ التحصیل ندانند

در اسلام فارغ التحصیل نداریم زیرا خداوند متعال به پیامبرش می‌فرماید «وقل رب زنی علما» «بگو پروردگار علم مرا زیاد کند» این آیه اشاره می‌کند که همه باید در فکر تحصیل علم باشیم و خود را فارغ التحصیل ندانند.

امام صادق فرمود «علوم ما در هر شب و روز زیاد می‌شود و اگر اضافه نشود ذخیره‌های علمی ما از بین می‌رود»

در حدیث می‌خوانیم «داناترین مردم کسی است که علم مردم را به علم خودش اضافه کند»

#### ۶. توفیقاتش را از خدا بداند

باید مراقب بود که سرگرم شدن به کتاب و درس و مقاله و پژوهش ما را از خدا غافل نکند.

تصور نکنیم که رشد علمی به توفیقات ما تنها به خاطر مطالعه و تحصیل و تدریس است زیرا این تصور باعث ایجاد غرور می‌شود وقتی به قارون گفتند «عظمت‌هایی که خدا به تو داده است به فقرا کمک کن» گفت «این ثروت را به خاطر علمی که مخصوص من است به دست آوردم» و اینگونه مغرورانه جواب داد.

بعضی علوم را می‌توان با تعلیم، تحصیل، تدریس، مطالعه و گفتگو کسب کرد اما تمام علوم این‌ها نیست. گاهی بعضی علوم و ادراکات ویژه به افراد ویژه داده می‌شود قرآن کریم درباره حضرت یوسف می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ» «خدا تو را انتخاب کرد و علم ویژه به تو داد». این عنایت تنها مخصوص علم نیست بلکه گاهی بصیرت، حکمت و نور باطنی ویژه نیز به برخی افراد خاص داده می‌شود که بر اثر آن با نگاه ساده می‌نگرد ولی مسائل عمیقی را درک می‌کند کربلایی کاظم ساروقی که در یک لحظه حافظ کل قرآن شد نمونه‌ای از این افراد است.

از این رو معلمان و استادان محترم نباید به خاطر مشغله تحصیل و تحقیق از این منبع نورانی غافل شوند به تصریح قرآن کریم قلب پاک و با تقوا، آیینه علوم و حقایق می‌شود اتَّقُوا اللَّهَ وَ يَعْلَمَكُمُ اللَّهُ. آری، قلب انسان همچون آینه ای است که اگر غبار آن را برطرف کنیم، نور خدا در آن جلوه می‌کند.

#### ۷. با شهامت باشد

معلم و استاد باید شهامت داشته باشند اگر چیزی را نمی‌دانند بگویند نمی‌دانند و خجالت نکشند، به برتری کسانی که باسوادتر هستند اقرار کنند و اگر چیزی را از یاد بردند بگویند فراموش کردم.

معلم باید در مواردی که اشتباه کرده است از حرف خود برگردد و زیردستان و شاگردان خود عذرخواهی کند. گاهی باید نماز را ترک کند مثلاً اگر در نماز متوجه شد وضو نداشته یا وضویش باطل شده است با کمال شهامت اقرار کند که من وضو ندارم و نماز را رها کند

قرآن در این باره می‌فرماید: گمان میر کسانی که به آنچه کرده‌اند شادمانی می‌کنند و دوست دارند بر آنچه نکرده‌اند ستایش شوند مپندار که آنها از عذاب الهی رسته‌اند و برای آنها عذابی دردناک است.

استاد باید با شهامت بر موضع حق بایستد و بر آن پافشاری کند و نگذارد که تطمیع و تهدید و تبلیغ و جوسازیها، او را از مسیر حق جدا سازند. مریبان بشر یعنی انبیا برای دفاع از حق به استقبال همه ر قم خطر می‌رفتند:

- گاهی شهید می‌شدند: یقتلون النبیین

- گاهی تحقیر می‌شدند: إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ

- گاهی به تبعید تهدید می‌شدند: أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ

ولی آنچه برای آنان اهمیت داشت مقاومت بر راه مستقیم بود

#### ۸. اعتماد به نفس داشته باشد

ما باید اهل منطق باشیم به خدا اعتماد کنیم و در هیچ حادثه خود را نبازیم. برخی از افراد بسیاری از سنت‌های صحیح و منطقی خود را تحقیر می‌کنند و بسیاری از آداب و رسوم بی‌منطق دیگران را در بست می‌پذیرند .

منشا اعتماد به نفس، ایمان به خدا و راه او و داشتن هدف الهی و بصیرت کامل است .

منشا اعتماد به نفس، ایمان به خدا و راه او و داشتن هدف الهی و بصیرت کامل است. زینب کبری علیه السلام با اعتماد به نفس بعد از شهادت امام حسین در حالی که به اسارت رفته بود سخنرانی کرد و به یزید گفت: اِنِّی لَأَسْتَصِغِرُ قَدْرُکَ «من قدر تو را کوچک می‌پندارم. آن حضرت با آن سخنرانی رژیم بنی امیه را در مذااب سوزان سخن خود از بین برد.» در زمان ما بهترین نمونه و مصداق ایمان به خدا و اعتماد به راه خود وجود مبارک امام خمینی بود.

#### ۹. مردمی باشد

معلم و مربی باید در جامعه حضور داشته باشد. پیامبر اکرم همواره در میان مردم بود تا جایی که کفار می‌گفتند این چه پیامبری است که غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود چرا فرشته‌ای به سوی او نازل نشده است تا همواره او بیم دهنده باشد و ادعای او را تایید کند؟ رهبر نباید از جامعه جدا باشد و زندگی عادی و حضور در میان مردم برای او کمال است .

در بعضی آیات واژه «رسول» با «فیهیم» و «منهم» آمده است یعنی رسولی که از مردم و بین آنهاست و با آنها زندگی می‌کند. در بعضی آیات نیز عبارت «والذین معه» آمده است که همراهی رسول و مردم را می‌رساند بنابراین از مردم، در مردم و با مردم بودن ارزشمند است

معلم و استادی موفق است که شاگردان او به راحتی بتوانند به او دسترسی پیدا کنند. در اولین آیه سوره مجادله می‌خوانیم؛ «قد سمع الله قول الی تجادلک فی زوجها» این آیه دلالت دارد که زن عادی می‌تواند به شخص پیامبر دسترسی پیدا کند و مشکلاتی را که با همسرش داشت مطرح نماید این نشانه مردمی بودن آن حضرت است

#### ۱۰. صراحت لهجه داشته باشد

از ویژگی های خوب یک معلم، داشتن کلام رسا و صراحت لهجه است. اسلام جز در موارد خاصی - که مربوط به آبروی افراد یا مسائل خانوادگی یا جنسی است - شفاف بودن سخن و کلام را رعایت کرده است و استاد و معلم نیز باید مراعات کنند.

در قرآن کریم تنها چند آیه مشابه وجود دارد که فهم آنها به دقت و تحقیق و استمداد از خدا تعالی و اشارات معصومین نیازمند است؛ ولی ظاهر اکثر آیات را افراد معمولی درک می کنند. قرآن خودش را نور آشکار و مبین دانسته است. یکی از خصوصیات پیامبر اکرم نیز این بود که کلامش روشن بود به طوری که هر شنونده ای آن را می فهمید. صراحت، شفافیت، صلابت، شهامت و پرهیز از ملاحظات قومی و نسبی در بیان حقایق و نفی باطل و مبارزه با آن نشانه ایمان راسخ است. انبیای الهی در تبلیغ دیان صراحت لهجه داشتند. پیامبر اکرم هم با صراحت خانواده اش را انداز میگرد: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» و در برابر گفتار موضع خود را با صراحت اعلام مینمود: نمونه دیگر صراحت در بیان قرآن کریم در رد ادعاهای دروغین و خیال پردازی های فراوان بنی اسرائیل است چرا که به صورت علنی بافته های خیالی، و موهومات فکری آنها را رد کرده است.

#### ۱۱. منصف باشد

از اموری که عقل و دین و وجدان به آن سفارش کرده اند و رابطه استاد و شاگرد را نیز عمیق می کند رعایت انصاف است. انصاف در تدریس انتقال، تشویق، توبیخ و برخورد با شاگرد از رموز موفقیت است. رعایت انصاف در رابطه استاد و شاگرد موجب می شود که اثر پذیری در طرف مقابل بیشتر شود اگر انسان بداند که استاد و مربی اش هیچگونه تعصب نابجا نسبت به خود یا طرف مقابل ندارد و فقط به دنبال حقیقت است به جای آنکه به فرد بنگرد به استدلال او می نگرد تا احسان را انتخاب کند. این باور در انسان ایجاد آرامش میکند.

رعایت انصاف در نقد افراد بسیار مهم است؛ یعنی اگر به فردی اعتقاد داریم نقاط قوت او را هم بگوییم قرآن کریم با اینکه به برخی از یهودیان به خاطر رباخواری، تحریف تورات ترس از دشمن و ورفاه طلبی انتقادات متعددی دارد، اما بعضی از آنان را به خاطر امانت داری ستایش کرده و فرموده است: «وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ» «بعضی از اهل کتاب تا به اون حد درست کارند که اگر مال بسیاری را به آنها امانت دهی آن را پس می دهند»

همچنین قرآن کریم غالباً با کلمه «منهم» از بعضی افراد انتقاد می کند نه همه آنها؛ اگر از گروهی انتقاد دارد حساب خوبان را با کلمه «الا» جدا می کند. در مقابل نیز از گروهی تجلیل می کند همه اون ها را مشمول به تجلیل نمی داند مثلاً در مورد زنان پیامبر می فرماید: «فَإِنَّ اللَّهَ أَغْدُ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا» و اینگونه تفهیم می کند که همه زنان پیامبر محسن و نیکوکار نبودند.

#### ۱۲. صمیمی و با محبت باشد

در خصوص ویژگی «مردمی بودن» نکاتی بیان شد؛ علاوه بر آن، داشتن ارتباط صمیمی با شاگرد، از صفات خوب معلم و از رموز موفقیت اوست. بین استاد و شاگرد نباید هیچ دغدغه، دلهره و وحشتی وجود داشته باشد. برخورد خشک و رسمی و احیاناً با خشونت، شاگرد را و مرتبی را گریزان می کند.

یکی از راه های ایجاد صمیمیت، محبت کردن است. محبت، قویترین یا یکی از قویترین ابزارهای تربیتی است. خداوند متعال در خصوص پیامبرش میفرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ». «همانا پیامبری از خودتان به سوی شما آمده است که آنچه شما را برنجانند بر او سخت است، بر هدایت شما حریص و دلسوز، و به مؤمنان رئوف و مهربان است.»

خداوند این نام از نام های خویش «رئوف و رحیم» را بر هیچ یک از پیامبران جز پیامبر اسلام اطلاق نکرده است همچنین اون حضرت را با جمله «عزیز علیه ما عنتم» غمخوار امت معرفی کرده است به گونه ای که هرچه مردم را برنجانند پیامبر را می رنجاند و این بیانگر اوج محبت آن حضرت است که سبب جذب مردم می شد.

«درس معلم از بود زمزمه محبتی» " جمله به مکتب آورد طفل گریز پای»

" جمله به مکتب آورد طفل گریز پای» نشان دهنده ویژگی صمیمی و با محبت بودن معلم است. امام صادق می فرمود «بهترین دوست من کسی است که عیب مرا به من بگوید» در حدیث دیگری می خوانیم با کسانی که با آنان دانش می آموزید نرمی کنید

#### ۱۳. اهل هدایت و عمل باشد

معلمی کردن به رشد است. یک معلم باید اول خودش رشد کند تا بتواند دیگران را رشد دهد باید اول خودش هدایت شود تا بتواند دیگران هدایت بکند.



امیرالمومنین «ثمره و نتیجه علم را عمل، حلم، تواضع، حیات، حسن خلق، آگاهی، بیداری، استقامت، عبادت، طلب نجات و اخلاص در عمل دانسته است، همچنین در کلام دیگر فرمودند «میوه و ثمره علم با زیبایی عمل چیده می‌شود نه با زیبایی گفتار و سخن»

عمل نکردن به گفتار گاهی به خاطر ناتوانی است و گاهی از روی بی‌اعتنایی که در صورت اخیر توبیخ دارد. عالم بی‌عمل به درخت بی‌ثمر، ابر بی باران، نهر بی آب، زنبور بدون عسل، سوزن بدون نخ و الاغی که کتاب حمل می‌کند تشبیه شده است.

رسول اکرم در این باره فرمود: "علمی که به آن عمل نشود، مانند گنجی است که از آن انفاق و استفاده نشود؛ صاحبش در جمع آوری خود را به زحمت انداخته است بدون آنکه بهره و نفعی از آن ببرد"

در این باره امام صادق نیز فرمودند: «کسی که کارهایش ترکیب کننده گفتارش نباشد، عالم نیست»

#### ۱۴. آراسته باشد

انسان فطرتاً نظافت و پاکی را دوست دارد و اسلام نیز برای پاکی سفارش‌های بسیاری کرده است. البته اسلام پاکی و نظافت را مخصوص جسم نمی‌داند بلکه به پاکی فطرت، پاکی فکر، پاکی لقمه، پاکی نسل، پاکی دل و پاکی جامعه نیز توجه دارد. هم پاکی جسم و هم پاکی روح و جان مهم است.<sup>1</sup> شرط قبول عبادات در اسلام طهارت است پوشیدن پاکیزه‌ترین لباس‌ها در نماز برای عبادت سفارش شده است.

کسانی که با تدریس و تبلیغ بنای اثرگذاری دارند باید به ظاهر خود برسند همچنین کلاس تمیز، هوای جاری، نور مناسب و استفاده از رنگ‌های روشن بر تاثیر تدریس می‌افزاید. البته معنی پاکی و نظافت استفاده از لباس‌های گران قیمت با دوخت‌های استثنایی نیست، چون این رقم جاذبه‌ها در تمرکز شاگرد برای فهمیدن مطلب خلل وارد می‌کند. بنابراین پوشش استاد باید وظیف و تمیز باشد؛ اما خالی از هرگونه جلوه‌های زینتی که ذهن شاگرد را به خود مشغول کند

#### ۱۵. اخلاق خوب داشته باشد

معلم بد اخلاق افراد را از دور خود پراکنده می‌کند، در قرآن می‌خوانیم: *وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ*. پیامبر اکرم اسوه اخلاق بودند تا جایی که خداوند متعال در میان صفات و ویژگی‌های آن حضرت بر خلق ایشان تاکید کرده و آن را عظیم خوانده است «و حقا که تو بر اخلاق بزرگی استواری»

عایشه درباره اخلاق پیامبر گفته است «کان خلق القرآن» اخلاق پیامبر، تجسم قرآن بود. این اخلاق نبوی بود که توانست در کنار کتاب الهی، انسان‌های بزرگی تربیت نماید انسان‌های مومن و خدایی تا امروز و علی رغم گذشت چند قرن هنوز شیفته آن اخلاق الهی هستند گفتار معلم سازندگی و تربیت نمی‌آورد بلکه رفتار اوست که بر جان مخاطب اثر می‌گذارد لذا حرکات و رفتار معلم باید طوری باشد که شاگرد را تربیت کند و بسازد. فراموش نکنیم که معلمین به همان اندازه که جایگاه والایی دارد مسئولیت و تکلیف سنگینی را نیز به دنبال می‌آورد. از اونجا که معلم سرمشق و الگوی متعلمین است باید مراقب حرکات و رفتار و گفتارش باشد

#### ۱۶. متواضع باشد

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا» «ای انسان هرگز در زمین با کبر و غرور را مرو که هر قدر پارا محکم به زمین بکوبی، نمی‌توانی آن را بشکافی و هر چه گردن برافرازی به بلندی کوه‌ها نخواهید رسید»

در سیره پیامبر می‌خوانیم که جلسات ایشان دایره وار بود. یعنی به گونه‌ای که در آن بالا و پایین مجلس معنا نداشت. گاهی یک نفر وارد می‌شد و پیامبر را نمی‌شناخت و افراد نگاه می‌کرد و سپس می‌پرسید: "ایکم رسول الله" کدام یک از شما پیامبرید؟ این سوال نشانگر آن است که پیامبر نه در محل نشستن نه در لباسی که می‌پوشد و نه در چهره هیچ نمادی که نشانه امتیاز باشد نداشت و متواضعانه در جمع اصحاب می‌نشست.

<sup>1</sup> جهاد پاک کردن جامعه از افراد مفسد است و امر به معروف و نهی از منکر پاکی جامعه از خلافتکاری است.

#### ۱۷. سابقه نیک داشته باشد

در موفقیت هر کاری از جمله تبلیغ و تدریس و تربیت داشتن سابقه نیک و محبوبیت نقش مهمی دارد. چه بسا کلامی از زبان یک فرد خوش نام موثر باشد اما همان کلام از زبان فردی ناشناس نتواند اثر بگذارد.

در صورتی که معلم و استاد شناخته شده باشند کمتر مورد انکار قرار می‌گیرند " اَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ " «یا اینکه پیامبرشان را نشناختند و از سوابق او آگاه نیستند پس برای همین او را انکار می‌کنند؟»

شاید دلیل آنکه قرآن دستور می‌دهد افرادی که برای تحصیل هجرت کرده‌اند پس از کسب تفقه منطقه به منطقه قبلی خود مراجعت کنند، این باشد که مردم منطقه‌شان از آنها شناخت دارند و می‌دانم که آنها از چه خانواده‌ای هستند حالات پس از هجرت و تفقه به سوی آنها برگشته‌اند برای انذار و هشدار و نجات آنهاست نه اهداف سیاسی و اقتصادی و امثال آن.

#### ۱۸. به پست و مقام دل بسته نباشد

ما باید در همه مدیریت‌ها از جمله مدیریت آموزشی و فرهنگی - تبلیغی آمادگی جابجا شدن را داشته باشیم.

قرآن در آیه ۸۱ سوره آل عمران می‌فرماید که خداوند از همه انبیا میثاق گرفت مبنی بر اینکه علی رغم داشتن کتاب آسمانی و حکمت آمادگی جابجایی داشته باشند و اگر بعد از آنها پیامبری آمد به راحتی مسئولیت را به او واگذار کنند و بدون اخم و قهر به او ایمان بیاورند و او را یاری کنند. سپس به انبیا فرمود: «آیا اقرار می‌کنید و قول می‌دهید به مسئولیت را با محبت به دیگری تحویل دهید» انبیا گفتند: «بله ما همه اقرار می‌کنیم!» در خداوند فرمود: «پس شاهد باشید و من هم با شما شاهدم».

این نحوه از مدیریت از اصول منحصر به فرد اسلام است که هر کس حتی انبیا آمادگی تفویض مسئولیت را به دیگری داشته باشند و از همون روز نصب عزل خود را پیش بینی کنند

معلم موفق و خدامحور نه به کلاس نه به شاگردان و نه به محله و منطقه نه به مدیریت دل نمی‌بندد بلکه از سر تکلیف تدریس می‌کند و از سر وظیفه مسئولیت می‌پذیرد و در هر زمانی آمادگی جابجایی و تفویض امور را دارد.

#### ۱۹. آماده پاسخگویی باشد

از ویژگی‌های خوب معلم، حاضر جوابی است یک معلم باید سوالاتی را که ممکن است از او بپرسند پیش بینی کند و جواب آنها را از قبل آماده داشته باشد

خداوند در قرآن به پیامبرش می‌فرماید: افراد بی‌خرد در آینده سوالاتی درباره قبيله از تو خواهند کرد و خواهند پرسید که شما سال‌ها رو به بیت المقدس نماز خوانده‌اید و حالا قبله را از بیت المقدس به کعبه تغییر دادید؟ اگر قبله قبلی درست بود چرا از کار درست دست برداشتید و اگر سال‌ها رو به قبله باطل نماز می‌خوانید پس اسلام دین کاملی نیست؛ زیرا سال‌ها مردم را در باطل رها کرده بود قبل از آنکه آنها سوال کنند تو جوابش را آماده داشته باش و با آنها بگو مشرق و مغرب برای خداست و او مکان خاصی ندارد» لذا پیامبر اکرم آمادگی پاسخگویی داشت.

بنابراین استاد و مربی باید سوالات را پیش‌بینی کنند و پاسخ آنها را از قبل آماده داشته باشند امروز آن مسئول و استادی ارزش بیشتری دارد که بتواند پاسخگویی سوالات و نیازها باشد.

#### ۲۰. بصیرت و شناخت عمیق داشته باشد

قرآن بارها فرموده است که مشرکان برای عبادت بت‌های خود هیچ علم و منطق و استدلالی ندارد به همین دلیل کار آنها باطل است.

استادی موفق است که بصیرت جامع داشته باشد یعنی هم نیاز جامعه را خوب بشناسد، ظرفیت‌ها و استعدادها را مخاطب را بداند و بر آنچه تدریس می‌کند تسلط و بصیرت کامل داشته باشد و تبلیغات او را به پوچی نکشاند.

در هیچ زمانی اینقدر حقوقدان زیاد نبوده و دانشکده‌های حقوق توسعه نداشته اما در هیچ زمانی مثل الان حقوق بشر تا این اندازه ضایع نشده است. خاطر است که علم حقوق وجود دارد ولی وجدان و بصیرت و شهامت وجود ندارد. همین که رئیس سازمان ملل خواست علیه جنایت‌های سعودی‌ها حرفی بزند او را با پول خریدند. خود او اقرار کرد که به خاطر پول زبان ما بسته است و این سخن از تلویزیون‌های دنیا پخش شد.

بنابراین وجود علم و اطلاعات به تنهایی کافی نیست همانگونه که وجود آب به تنهایی رفع عطش نمی‌کند؛ بلکه باید آبی سالم باشد، در ظرف بهداشتی باشد و هم انسان اراده نوشیدن آن را داشته باشد.

## ۲۱. دلسوز شاگردان باشد

میان استاد و شاگرد به غیر از رابطه علمی باید رابطه عاطفی نیز وجود داشته باشد یکی از مصادیق ارتباط عاطفی آن است که از حال هم باخبر باشند. اگر پیامبر مسلمانی را مدتی نمی‌دید حال او را از دیگران می‌پرسید اگر می‌شنید بیمار است به عیادتش می‌رفت و اگر می‌شنید مسافرت در حق او دعا می‌کرد. در قرآن می‌خوانیم که روزی حضرت سلیمان فرمود: «من هدهد را نمی‌بینم آیا برای غیبت او دلیلی است یا خودسرانه حضور ندارد؟» پس از لحظاتی هدهد آمد و عضو موجه خود را به حضرت سلیمان گفت و آن حضرت نیز پذیرفت. تفقد از زیردستان بازدید از آنان و پرس و جوی احوالشان از اصول اسلامی، اخلاقی، اجتماعی، تربیتی و مدیریتی است.

## ۲۲. واقع‌گرا باشد

از وظایف هر مربی و استاد آن است که واقع‌گرا باشد و نسل نو را نیز واقع‌گرا تربیت کند نه خیال‌گرا، نه غرب‌گرا، نه شرق‌گرا، نه درون‌گرا، نه برون‌گرا، و نه فردگرا و نه جمع‌گرا. اشکال دیروز و امروز فردای بشر دوری از واقع‌گرایی و تکیه بر موهومات خیالات تبلیغات عناوین آمار و زرق و برق‌هاست قرآن کریم که بهترین کتاب تعلیم و تربیت است در آیات متعددی انسان را به واقع‌گرایی دعوت کرده و فرمود که قهر و مهر خدای تعالی بر اساس واقعیات است نه آرزوها. عده‌ای که تن به کار نمی‌دهند و زیر بار مسئولیت نمی‌روند و پیشرفت‌های کشور خود را نمی‌بینند، اما فقط زبان به مدح کشورهای غربی می‌گشایند و کشور پیشرفته‌ای را بدون کار و وجدان کاری انتظار میکشند، خیالگرا هستند. معلمی چه غیرت دینی و ملی دارد حقایق را تبیین می‌کند هم مشکلات را می‌گوید و هم امتیازات را برمی‌شمارد؛ نقدش نه برای تخریب بلکه برای سازندگی است فریب تبلیغات دروغین غرب را نمی‌خورد و به آن اوهام و خیالات دل نمی‌سپارد.

## ۲۳. صبور باشد

داشتن صبر و پایداری رمز موفقیت هر کاری است به ویژه در تعلیم و تربیت و مسائل فرهنگی خداوند متعال به پیامبرش دستور صبر می‌دهد «و لربک فاصبر». همچنین برای مسائل فرهنگی و تربیتی مثل نماز به صورت ویژه به صبر سفارش می‌کند: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» «اهل خود را به نماز فرمان ده و بر آن پایداری کن». نتیجه کار فرهنگی و تربیتی فوری نیست و اگر انسان صبور نباشد موفق نمی‌شود صبر و پایداری معلم ضمن تضمین موفقیت او در عرصه تعلیم و تربیت به دانش پژوهان نیز درس صبوری و استقامت می‌دهد رفتار صبورانه استاد درس آموز است. ناگفته نماند که صبر و تلاش بستری برای رشد و توفیق است اما همه انسان‌ها و از جمله معلمان و استادان باید توفیقات خود را از خدا بدانند تا مبدا پیشرفت‌های خود را در اثر زحمت و تلاش خود ببینند و از خداوندی که فکر و مغز و سلامتی و علم و توفیق به آنها داده است غافل شوند؛ زیرا چه بسا برنده افرادی که تاثیر و تدریس بیشتری دارند ولی به توفیقات لازم دست پیدا نمی‌کنند.

## ۲۴. درد آشنا باشد

استادی که درد آشنا باشد موفق‌تر است برخورد کسی که درد یتیمی و فقر را چشیده باشد با برخورد کسی که این درد را حس نکرده باشد فرق دارد خداوند متعال به پیامبرش می‌فرماید «آیا خداوند تو را یتیم و فقیر نیافت و به تو ثروت و ماوا نداد؟ پس اکنون که طعم یتیمی و فقر را چشیده‌ای و درد آشنایی یتیم و فقیر را از خود طرد نکن» اینکه قرآن کریم در مورد انبیا می‌فرماید: «پیشون فی الاسواق» یعنی آنها با جامعه از نزدیک برخورد داشتند. یکی از دلایل سفارش‌های بسیار اسلام در مورد مسجد اعتقاد داشتن مستمر مسلمانان با هم و با خبر بودن از مشکلات یکدیگر است؛ چون مسجد تنها جایی است که همه مردم از کوچک و بزرگ زن و مرد مشغول و گمنام همیشه و در هر شرایطی بدون اجبار و فقط برای خدا در آن جمع می‌شوند و هیچ فرد و صنفی در مسجد امتیازی ندارد. معلم موفق ارتباط مناسب و مستمری با شاگردان خود دارد تا بیشتر با مسائل و مشکلات آنان آشنا شود و حتی اگر نتوانند مشکل و دردشان را درمان کنند لاف‌ها را با همدردی و برخورد مناسب تسکینی بر درد آنها باشد.

**۲۵. تکلیف گرا باشد**

تکلیف گرایی یکی از رموز توفیق و تاثیر است .

معلم باید همیشه به فکر وظیفه خود باشد و ببیند که در شرایط و محیط فعلی با وجود همه نارسایی‌ها و مشکلات چه کاری می‌تواند انجام دهد.

یک معلم وظیفه‌گرا باید بداند که همراهی نکردن دیگران تکلیف او را ساقط نمی‌کند زیرا قرآن می‌فرماید « قُلْ إِنَّمَا أُعِطْتُكُمْ بِوَأَحَدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ بَئِذٍ » بگو من شما را به یک سخن پند می‌دهم برای خدا قیام کنید دو نفر دو نفر و یک نفر یک نفر».

گاهی انسان به وظیفه چنان یقین دارد که حجت بر او تمام می‌شود در این صورت حتی اگر هیچ همراهی نباشد. باید به تنهایی اقدام کند. مثلاً اگر کسی در شب عید فطر ماه را ببیند روز بعد برای او عید فطر است؛ اگرچه تمام مراجع عظام بگویند که برای ما ثابت نشده است.

**۲۶. با ظرفیت باشد**

ظرفیت انسان با باید زیاد شدن علم بیشتر شود قرآن کریم به پیامبر می‌فرماید «و قل رب زدنی علما» بگو پروردگار علم مرا زیاد کن و نمی‌فرماید «رب زد علمی» در جمله «زدنی علما» توسعه روح نهفته شده یعنی زیاد شدن خود من از طریق تحصیل ولی در «زد علمی» سخن از زیادی علم است بدون توسعه روح. نه تنها علم بلکه هر نعمتی نیاز به ظرفیت دارد چرا که ان نعمت را بدون ظرفیت لازم به ما بدهند اسباب دردمر می‌شود.

آری هرچه معلومات و جایگاه علمی و مدرک انسان بالا می‌رود باید ظرفیت روحی و درونی او هم توسعه پیدا کند. اگر انسان ظرفیت نداشته باشد یا ثروت او را مغرور می‌کند یا قدرت او را مغرور می‌کند، با علم ولی اگر ظرفیت باشد حتی اگر هر سه نعمت در یک نفر جمع شود به آن مغرور نمی‌شود؛ چون همه را از خداوند می‌داند نه خود.

**۲۷. منضبط باشد**

سراسر جهان خلقت بر محور نظم است. همه چیز در نظام هستی منظم قانونمند و تفکیک شده است. در همه ارکان آن هماهنگی کامل به چشم می‌خورد بهترین و ساده‌ترین دلیل بر توحید نظم و هماهنگی عجیبی است که بر موجودات جهان حاکم است؛ به عبارت دیگر مهم‌ترین راه خداشناسی مشاهده نظم موجود در عالم است. واژه "صف" که به معنای نظم و انضباط است، هفت بار در قرآن آمده است. امام علی (ع) فرمود: «أَوْصِيكُمْ بِأَنْ تَتَّقُوا اللَّهَ وَتَتَّقُوا النَّاسَ وَتَتَّقُوا أَنْفُسَكُمْ» شما دو فرزندم و همه فرزندان و خانواده‌ام و تمام کسانی که در طول تاریخ نامه من به آنها می‌رسد را به تقوا و نظم در کارها سفارش می‌نمایم». همچنین روزی حضرت امام در مسجد سلماسی به شاگردان فرمودند: «اگر می‌خواهی به درس من بیایی با نظم باشی و همگی جلوی در مسجد به هم برسید؛ حتی فاصله منزل تا مسجد را باید حساب کنیم» معلم با نظم خود به دیگران نیز درس نظم می‌دهد. حضور به موقع در کلاس یا جلسه، اتمام به موقع درس یا سخنرانی، رعایت سیر بحث و عدم تشتت در ارائه مباحث، سبب جلب توجه مخاطبان و ایجاد جاذبه برای آنها می‌شود.

**۲۸. عزم قوی داشته باشد**

داشتن عزم در سه ایه از قرآن کریم کلید موفقیت معرفی شده و در هر سه آیه صبر نشانه عزم دانسته شده است.

از آیه ۱۲ سوره فاطر به دست می‌آید به بعضی دریاها سود و بعضی شیرین هستند اما اگر انسان ماهیگیر باشد می‌تواند از هر دو دریا صید کند؛ اگر ناخدا باشد می‌تواند در هر دو دریا کشتیرانی کند و اگر غواص باشد می‌تواند از هر دو دریا لولو و مرجان به دست آورد. شرایط مختلف در افراد ماهر جوهردار مصمم و با عزم و اراده خیلی تاثیر ندارد. بسیاری با وجود امکانات مانند استاد کتابخانه کامپیوتر اینترنت و امثال آن به خاطر نداشتن اراده و جرات موفق نیستند، و در مقابل افراد زیادی به خاطر عزم قوی در هر شرایطی به رشد خود ادامه می‌دهند.

از مسائل مهم در تدریس و تربیت عزم و اراده استاد و تلقین آن به شاگرد و تمرین دادن شاگردان به کارهای پر حوصله است.

**۲۹. به هدف ایمان داشته باشد**

معلم و مربی باید به هدف خود ایمان داشته باشد ایمان به هدف و یقین به درستی راه دلیل اصلی مقاومت انبیا و مبارزه طلبی آنان بوده است. ایمان داشتن به هدف انسان را قدرتمند می‌کند.

قرآن در ستایش پیغمبر اکرم می‌فرماید: «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ» «پیامبر به وحی که به او می‌شد ایمان داشت» لذا وقتی مشرکین مکه به اون حضرت پیام دادند که «اگر همسر یا ثروت می‌خواهی ما به تو می‌دهیم به شرط آنکه دست از ادعای خود برداری» ایشان فرمود: «اگر خورشید را در دست راستم بگذارند و ماه را در دست چپم دست از هدفم برنمی‌دارم»

هیچ چیز نمی‌تواند انسانی را که به هدف و راه خود مومن و علاقمند است دلسرد کند. ممکن است یک معلم یا استاد یا مربی در تنگنای زندگی مادی قرار بگیرند و احساس کنند که دیگران در رفاه بیشتری هستند، ولی ایمان و علاقه به کار آنها را دلسرد نخواهد کرد همانگونه که والدین به خاطر علاقه به فرزند هرگز نسبت به او کوتاهی نمی‌کنند، خواه فرزندشان دختر باشد یا پسر، زشت باشد یا زیبا، کوچک باشد یا بزرگ، فقیر باشد یا غنی، در شرایط سخت باشد یا رفاه.

### ۳۰. عادل باشد

استادی موفق است که مخاطبین او را عادل بدانند و ضوابط را فدای روابط و دوستی‌ها نکنند. پیامبر رحمت که تجسم آیات الهی و معلم بزرگ زندگی بود نیز دل‌ها را با گفتار و رفتار عادلانه‌اش جذب می‌نمود. امام صادق فرمودند: «رسول خدا نگاهشان را به طور مساوی بین اصحاب خود تقسیم می‌کردند و گاهی به این نگاه می‌کردند و گاهی با آن» استاد و معلم باید در خواندن نام افراد و نحوه ارتباط با آنان عادلانه رفتار کنند و کلمات یکسانی را در خطاب با همه به کار ببرند.

### ۳۱. حامی محرومان باشد

یکی از کمالات مربی و معلم و استاد حمایت از محرومان است. در طول تاریخ بیشترین یاران و پیروان رسولان الهی، مستضعفان و محرومان بودند و بیشترین سختی رسالت اثبیا نیز بر دوش آنان بوده است.

بنابراین مبلغ و مربی باید از آنها حمایت کند و از طرد آنان بپرهیزد؛ «وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ» «و کسانی را که بامداد از شامگاه پروردگارشان را می‌خوانند در حالی که رضای او را می‌طلبند از خود مران. چیزی از حساب آنان بر عهده تو نیست و از حساب تو چیزی بر عهده آنان نیست که طردشان کنی و در نتیجه از ستمکاران شوی»

اگر استاد در آشنا باشد به محرومین توجه خواهد داشت. مبلغ و معلم باید بدانند که بی‌توجهی به محرومان و روی گرداندن از ایشان توبیخ خداوند بزرگ را به دنبال دارد.

### ۳۲. توکل داشته باشد

استاد و مربی هم باید مثل دیگران تلاش کنند و از ابزار و تخصص بهره گیرند اما در عین حال راهی برای امور پیش‌بینی نشده باز کنند. خداوند به پیامبرش می‌فرماید اگر چه تو تبلیغ دین می‌کنی اما هدایت به دست ماست: «همانا تو نمی‌توانی هر که را دوست داری هدایت کنی و به مقصد برسانی بلکه این خداوند است که هر کس را بخواهد هدایت می‌کند و او به رهیافتگان آگاه‌تر است»

چه بسا استاد و شاگرد نهایت کوشش خود را می‌کنند اما در جلسه درس یا امتحان آموخته‌هایشان را از ذهنشان می‌رود یا بالعکس؛ نکاتی به ذهن معلم می‌رسد که اصلاً به آنها فکر نکرده بود و دانش آموز مسئله مهمی را در جلسه امتحان حل می‌کند که از حل آن عاجز بوده است.

توجه به اسباب و تلاش کردن لازم است اما انسان نباید با استاد، کتاب، آزمایشگاه، ابزار و حافظه، و توانایی‌های دیگر مغرور و از خدا غافل شود.

### ۳۳. با نشاط باشد

داشتن نشاط هم در روح انسان اثر دارد و هم در تولیدات او و هم در پاداش معنوی‌اش.

قرآن کریم از نماز با کسالت و زکات با کراهت انتقاد کرده است «و نماز را جز از روی کسالت و بی‌حالی به جای نمی‌آورند و جز از روی کراهت و بی‌میلی انفاق نمی‌کنند»

نداشتن نشاط یک آفت است و معصومان از آن به خدا پناه می‌برند چنانچه امام صادق عرضه می‌داشت «اللهم انی اعوذ بک من الکسل».

اگر ایمان و نشاط باشد انسان در کار خود نه تاخیر دارد نه به مزد و پاداش فکر می‌کند، نه کم کاری می‌کند، نه از کار خود گلیه می‌کند، نه کار خود را با دیگران مقایسه می‌کند.

اسلام حتی در عبادات و مناجات هم بر مسئله نشاط تاکید کرده است. امام سجاد در سحرهای ماه رمضان و در دعای ابوحمزه ثمالی از بی نشاطی در عبادات گلایه کرده سپس انواع احتمالات را برای علت بی‌انساطی در عبادت و دعا مطرح و با سوز و گداز بی‌نشاطی خود را تحلیل کرده است.

به هر حال نشاط و انگیزه مسبب موفقیت در دنیا و تقرب در آخرت خواهد شد. تدریس با نشاط هم درس را شیرین می‌کند و هم به دانش آموزان و دانشجویان نشاط می‌باشد.

## فصل سوم

### وظایف معلم

برای موفقیت در عرصه تعلیم و تربیت باید نکات و مطالبی را مدنظر قرار داد تا بتوان بهره بیشتری از آموزش‌ها گرفت ما در این فصل به برخی از بایدهای معلمی اشاره می‌نماییم

#### ۱. آغاز کار با نام خدای متعال:

استمداد از خداوند تعالی و شروع کار با نام حضرت حق سبب برکت و موفقیت است ذکر بسم الله در آغاز کار و تدریس بیانگر حقایقی خواهد بود از جمله آنکه:

-بسم الله نشانگر رنگ و صبغه الهی کار ما و بیانگر جهت‌گیری توحیدی ماست

-بسم الله رمز توحید است و ذکر نام دیگران به جای آن رمز کفر و قرین کردن نام خدا با نام دیگران نشانه شرک خواهد بود. نه در کنار نام خدا نام دیگری را ببریم و نه به جای نام او.

-بسم الله رمز عشق به خدا و توکل به اوست

-بسم الله رمز خروج از تکبر و اظهار عجز به درگاه الهی است

-بسم الله گام اول در مسیر بندگی و عبودیت است

-بسم الله موجب فرار شیطان است. کسی که خدا را به همراه داشته باشد شیطان در او تاثیر نخواهد داشت.

-بسم الله عامل قداست یافتن کارها و بیمه شدن آنهاست

-بسم الله ذکر خداست؛ یعنی خدایا من تو را فراموش نکردم

-بسم الله بیانگر انگیزه ماست؛ یعنی خدایا هدف من تنها تو هستی نه مردم نه طاغوت‌ها نه جلوه‌ها و نه هوس‌ها

\_امام رضا فرمود: «بسم الله» به اسم اعظم الهی از سیاهی چشم به سفیدی آن نزدیک‌تر است»

#### ۲. عملی بودن درس‌ها

درس عملی عمیق‌تر از درس غیر عملی است. متأسفانه ما از زبان خود و گوش مردم خیلی انتظار داریم و این غلط است به قول شاعر «دو صد گفته چون نیم کردار نیست».

امام صادق فرمودند: «با غیر زبان خود مردم را دعوت نمایید».

در قرآن کریم می‌خوانیم: «لَمْ تَقُولُوا مَا لَآ تَفْعَلُونَ» «چرا چیزی می‌گویید که به آن عمل نمی‌کنید؟» و در جای دیگر می‌خوانیم «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» «آیا

مردم را به نیکی سفارش می‌کنید در حالی که خودتان را فراموش کرده‌اید»

البته شرط امر به معروف و نهی از منکر عمل خود انسان نیست. یعنی اگر منکری را دیدیم باید از آن نهی کنیم گرچه خودمان آن منکر را انجام دهیم. ولی شرط اثر سریع و

عمیق عمل خودمان است. یعنی زمانی نهی از منکر ما اثر دارد که خودمان اهل آن منکر نباشیم البته امر به معروف و نهی از منکر در همه جا برکاتی دارد.<sup>2</sup>

<sup>2</sup> برخی از برکات امر به معروف نهی از منکر این چنین است:

(الف) انهی از منکر از سوی افرادی که خودشان اهل منکرند نوعی تلقین به خود آنهاست موجب می‌شود که آن منکر را انجام ندهد

(ب) هر کس که می‌خواهد امر و نهی او موثر باشد از درون احساس می‌کند که خودش باید به اون عامل باشد تا دیگران هم به آن عمل کنند

(ج) فضای جامع باید مملو از آزادی بیان باشد نه ترس و خفقان و سکوت، اینکه در اسلام نهی از منکر از کسی که خودش منکرانی دارد ساقط نیست برای آن است که جامعه فضای آزاد بیان را احساس کند

معلم موفق امام و رهبر و الگوی دیگران است. لذا اعمال او بسیار تاثیرگذار است و باید در همه کارها پیشگام باشد. و قبل از تعلیم دیگران به تعلیم خود پردازد چنانکه امیرالمومنین فرمودند: «بر همه کس که خود را امام و پیشوا قرار داده لازم است قبل از تعلیم دیگران خود را آموزش بدهد و تعدیب او به رفتارش باشد قبل از آنکه به زبانش باشد»  
تقدید به احکام الهی و مسائل معنوی پیش دستی در سلام کردن رعایت نظم تواضع احترام به پیشکسوتان تعلیم و تربیت، پرهیز از خودستایی و... بر دانشجو و متعلم تاثیر می‌گذارد، آنگونه که رفتار و گفتار منفی معلم تاثیر سو خواهد گذاشت.

هر چه جایگاه اجتماعی معلم بالاتر باشد تاثیرگذاری اش بیشتر خواهد بود لذا قرآن کریم به زنان پیامبر اکرم که از موقعیت اجتماعی و مذهبی بالایی برخوردار بودند می‌فرماید: «ای زنان پیامبر حساب شما از سایر زنان جداست اگر هر یک از شما خلافی انجام دهد دو برابر دیگران کیفر خواهد دید؛ همانگونه که هر یک از شما که در برابر خداوند تعالی و پیامبرش فروتنی کند و عمل صالح انجام دهد، از پاداش دو برابر برخوردار خواهد بود»

### ۳. شهامت در گفتن «نمی‌دانم»

یکی از کارهای خوب معلم و مربی بلکه هر انسانی آن است که اگر چیزی را نمی‌داند با کمال صراحت و صداقت بگوید نمی‌دانم. همان گونه که فرشتگان به خداوند گفتند: «ما چیزی به جز آنچه تو به ما آموخته‌ای نمی‌دانیم».  
معلم صداقت خود را با «نمی‌دانم» به رخ می‌کشد و همین کار ضمن جلب اعتماد مخاطبان او را در نگاه آنها محبوب می‌کند؛ چرا که با جواب بی‌اساس و حرف بی‌دلیل ذهن آنها را آشفته نمی‌کند و سلامت محیط آموزشی را بالا می‌برد.  
اینکه کسی ندانسته جواب بدهد نشانه جهل اوست اما اینکه به راحتی و راستی بگوید «نمی‌دانم» نشانی برخورداری او از نصف علم است چرا که

حضرت علی فرمودند «قول لا اعلم نصف العلم» گفتن نمی‌دانم نصف علم است که اشاره به ویژگی شهامت در گفتن نمی‌دانم می‌باشد

### ۴. سنت پذیر و نو پذیر بودن

علم زمانی کامل است که هم وصل به تاریخ کهن باشد و هم پویا و به روز؛ بنابراین معلم باید هم از آداب به خوبی پیروی کند و هم تجدید پذیر باشد.  
قرآن کریم از سوی خودش را «حدیث» یعنی «سخن جدید» می‌خواند و سوی دیگر خود را وصل به تاریخ کهن می‌داند و می‌فرماید که آنچه در آیاتش آماده است در کتب انبیای دیگر هم آمده بود.  
بنابراین نه سنت گرایی اصل است نه سنت شکنی؛ بلکه باید هر کار خیری را از نیاکان دنبال کرد و هر کار غلطی را گرچه سنتی نیاکان باشد کنار گذاشت. باید علاوه بر بهره‌گیری از تجارب علمی گذشتگان نوگرایی داشت.

نوگرایی به معنای تزریق مفاهیم و برداشت‌های تازه و تایید شده توسط صاحبان تجربه و علم است و گرنه صرف نوگرایی بدون پشتیبان تحقیق و تایید علما و دانشمندان ارزشی ندارد. مهم این است که فرد عالم بر دیدگاه گذشتگان غیر معصوم تعصب نداشته باشد و راه اندیشه‌های تازه و نو را مسدود نداند بلکه در کنار بهره‌گیری از سفره گسترده علوم گذشتگان، کشف‌ها و برداشت‌های جدید علمی و مجرب را هم بپذیرد و خودش نیز از پدید آورندگان نظریات نو و ناب باشد.

### ۵. توجه به راه‌های دعوت

قرآن کریم می‌فرماید: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدَلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» «ای پیامبر مردم را با حکمت و گفتار استوار و منطقی و پند نیکو، به راه پروردگارت بخوان و با مخالفان به شیوه‌ای که نیکوتر است جدال و گفتگو کن. همانا پروردگارت به کسی که از راه او منحرف شده آگاه‌تر است و او هدایت یافتگان را بهتر می‌شناسد» از این آیه تا آخر سوره نحل ۱۰ دستور جالب اخلاقی برای برخورد مطرح شده است.  
موعظه نیکو آن است که واعظ به آنچه می‌گوید عمل کند و جدال نیکو آن است که در آن توحید یا تحریک غلط احساسات نباشد. از اونجا که ممکن است موعظه و جدال با شیوه خوب یا شیوه بد همراه باشند، موعظه با کلمه حسن و جلال با کلمه احسن آمده؛ و گرنه منطق و حکمت دونوع نیست بلکه یک نوع است و آن هم با نیکوی است.

اسلام به طرفداران خود هم غذای فکری می‌دهد (حکمت) و هم غذای روح (موعظه حسنه) و با مخالفان خود نیز برخوردی منطقی دارد (جدال احسن) معلم باید با توجه به ظرفیت و سطح مخاطب روش دعوت را انتخاب نماید.

#### ۶. توجه به رشد جامع

استاد و مربی تنها مسئول توسعه و رشد علمی مخاطب یا رشد جسمی و تربیت بدنی او یا جمع آوری نظرات دانشمندان شرق و غرب در زمینه‌های مختلف نیستند بلکه باید رشد جامعه مخاطب را مدنظر داشته باشند. یعنی اگر به علم او می‌افزاید بصیرت او را هم ارتقا دهند.

قرآن که «یهدی الی الرشده» است به انسان رشد جامع می‌دهد اگر به نماز دعوت می‌کند به برائت از مشرکین هم دعوت می‌کند؛ اگر به تقوا دعوت می‌کند به رسیدگی به فقرا هم دعوت می‌کند.

استاد باید باور کند و به شاگردان خود پیام‌بازد که همه باید از پیشرفت‌های علمی و تجارب دیگر کشورها استفاده کرد و هم به صورت جدی مراقب بیگانگان بود و فریب آنها را نخورد. چرا که به تعبیر قرآن کریم تا پیرو دین و آیین دشمنان نشویم از ما راضی نخواهند شد «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصْرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مَلَّتَهُمْ» دشمن به کم راضی نیست و فقط با سقوط کامل و محو مکتب و متلاشی شدن اهداف ما راضی خواهد شد.

#### ۷. پاسخ به شبهات

یکی از وظایف استاد و معلم آن است که برای شبهات جدید پاسخ منطقی داشته باشد. اساتید علوم دینی و معارف باید در کنار مباحث اصلی خود نیم‌نگاهی به شبهات روز داشته باشند نگذارند که شبهه‌ها چون موربانه‌ای به پایه‌های فکری دانش پژوهان و مخاطبان آسیب بزند.

البته باید به این نکته توجه داشت که تنها شبهات جدی و اساسی که عمومی و فراگیر شده‌اند نیاز به پاسخ دارند و نباید با طرح برخی شبهات بی‌اساس به ترویج آنها کمک کرد و ذهن دانش پژوهان را بیهوده با آنها درگیر نمود.

ضمن اینکه استاد و معلم باید به اصل شبهه احاطه داشته باشند و در پاسخگویی چنان دقیق عمل کنند که آن را از ذهن‌ها بزدایند و گرنه به جای نفی شبهه، آن را در ذهن مخاطب تثبیت می‌کنند.

#### ۸. ایجاد انگیزه

استاد و مربی باید قبل از تعلیم درس نقش و اهمیت آن درس و آثار فردی و اجتماعی آن را بیان کند و افرادی که در آن رشته متخصص شده و بخشی از مشکلات جامعه را حل کرده‌اند به عنوان نمونه مطرح کنند تا شاگرد به آن درس احساس نیاز کند.

قرآن کریم برخلاف کتب قوانین، به همراه بیان مقررات و دستورات شرعی انگیزه و حساسیت نیز ایجاد می‌کند مثلاً:

-گاهی با حروف مقطعه به انسان تلنگر می‌زند

-برخی از آیات پاسخ سوالاتی هستند که مردم از پیامبر می‌پرسیدند

-گاهی لابلای قصه‌ها مطالبی را می‌فرماید

-گاهی با بیان پاداش ایجاد انگیزه می‌کند و تشویق‌ها و پاداش‌های بزرگ بهترین انگیزه برای انجام کارهای سخت است

- برخی از آیات پاسخ سوالاتی هستند که مردم از پیامبر می‌پرسیدند

-گاهی با قسم و گاهی با بیان شأن نزول بحث را طرح می‌کند

-گاهی افراد را مخاطب قرار می‌دهد و گاهی مخاطبان خود را تغییر می‌دهد

-گاهی بامقایسه دو فرد یا دو مطلب موضوعی را شفاف و برجسته می‌کند

-گاهی برای بیان اهمیت دستور یا ایجاد انگیزه و عطش برای شنیدن مسائل مهم در سایرین شخص اول را مورد خطاب قرار می‌دهد «یا ایها النبی»

-گاهی با تکرار کلمه‌ای در مخاطب ایجاد حساسیت می‌کند و ...



اگر اساتید ضمن بیان مطالبی برای شاگردان توضیح دهند که چه دانشمندانی عمر خود را صرف کرده‌اند و چه بودجه‌هایی صرف تحصیل و تدریس شده است تا این مطلب اثبات شود یا این آموزش‌ها چه برکاتی دارد و ندانستن آن چه ضررهایی خواهد داشت عشق شاگردان را به تاثیر زیاد خواهند کرد و آنها را قادران با انگیزه و و صرفه جو خواهند ساخت.

## ۹. هجرت

بخش بزرگی از معلومات حاصل هجرت عده‌ای به مراکز علمی یا به سوی افراد دانشمند است. قرآن و روایات در این زمینه سفارش بسیار کرده‌اند؛ تا آنجا که قرآن به مسلمانان دستور می‌دهد کسانی را که ایمان دارند ولی هجرت نمی‌کنند نه دوست بدارند و نه به آنان مسئولیت بدهند «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَابِلَةٍ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا». هجرت اختصاص به پیامبر اکرم ندارد بلکه هجرت از محیط شرک، کفر و گناه برای حفظ دین و ایمان یا برای دوری از نافرمانی خداوند بر هر مسلمانی لازم است؛ چنانچه به خداوند در پاسخ کسانی که به زندگی در محیط ناسالم را عذر آلودگی خود و ارتکاب به گناه می‌خوانند و می‌گفتند «کنا مستضعفین فی الارض» فرموده است: «الم تکن ارض الله واسعة فتهاجروا فیها» «اگر زمین خدا واسه نبود تا در ان مهاجرت کنید».

هجرت علاوه بر آموختن علم و دانش برای بیان آموخته‌های خود به دیگران نیز لازم است قرآن بارها به سفرهای علمی و تجربی با دستور «قل سیر فی الارض» سفارش کرده و کسانی را که هجرت نمی‌کنند با جمله «افلّم یسیروا» توبیخ نموده است.

استدلال به اینکه «مراکز علمی قدماست دارد» یا «من به اینجا عادت کردم» یا «تسل من در اینجا مستقر شده‌اند» برای فرار از مسئولیت هجرت کافی نیست. همچنین استدلال به اینکه اگر مرا دعوت کنند می‌روم یا گاهی رفته‌ام نیز کافی نیست

زیرا همین که دستوری بر انسان واجب شد باید انقدر تلاش کند تا مطمئن شود به ان دستور عمل کرده است و به اصطلاح علما اشتغال یقینی، برائت یقینی لازم دارد. ضمناً نباید فقط نیاز مادی ما را به هجرت وادار زیرا قرآن از ذوالقرنین به این دلیل ستایش کرده است که علی رغم داشتن امکانات و رفاه به خاطر مردم سفرهای زیاد کرد و خدمات تاریخی بسیاری از خود به جای گذاشت.

ارزش آن است که به مناطق محروم و مظلوم و بی‌سواد که از جهت فرهنگی ضعیف اند برویم چنانکه قرآن می‌گوید ذوالقرنین به مناطقی می‌رفت که مردم آن هیچ نمی‌دانستند: «لا یکادون یفقهون قولاً» اگر مدیریت قوی باشد حتی از مردم بی‌فرهنگ هم آثاری تاریخی و مفید و محکم و ماندگار به جای می‌ماند.

## ۱۰. آموختن از هر شخص یا هر چیزی

معلم واقعی خود یک محصل و دانشجوی واقعی است و بدون اینکه برای او عار باشد از هر شخص یا از هر چیزی که بتواند نکته‌ای بیاموزد استفاده می‌کند و هر روز بر معلومات خود می‌افزاید.

حضرت موسی برای شاگردی نذر نزد حضرت خضر رفت و با او همسفر شد و از هر اتفاقی که در آن سفر زمینی و دریایی افتاد درسی آموخت.

## ۱۱. تعلیم در هر زمان و مکان

جای تعلیم و تربیت فقط کلاس و جلسات رسمی نیست اتفاقاً در سایر مواقع به ویژه در مواقع حساس و خاطره انگیز گفتن نقطه و مطالبی می‌تواند اثر فوق العاده‌ای بر مخاطب بگذارد اگر معلم قوی باشد میتواند از هیچ، همه چیز بسازد.

این رقم کلاس داری بدون هیچ گونه وسایل کمک آموزشی در ذهن‌ها باقی می‌ماند در حالی که بسیاری از کلاس‌های پیچیده و فنی نمی‌تواند چنین تاثیری داشته باشند.

## ۱۲. جبران ضعفها

در مبحث صفات معلم و ذیل عنوان «برخورد صمیمی و با محبت» نکاتی را بیان نمودیم. در اینجا به یکی از بایدهای مهم معلمی اشاره خواهیم کرد. قرآن محبت را در مسائل تربیتی اصل می‌داند لذا می‌گوید «الرحمن علم القرآن» نمی‌گوید «الحی القیوم علم القرآن» یا «القادر المتعال علم القرآن» یعنی نزدیک‌ترین صفت به معلمیت رحمت و محبت است.

گاهی در امور آموزشی و فرهنگی ضعفها و چالش‌ها و مناقشاتی پیدا می‌شود و چه بسا استادی از محور عدالت و انصاف و محبت خارج شود و گفتار و رفتاری نامناسب با شاگردان و مخاطبانانش داشته باشد استاد و مربی خوب آن است که سریع مشکل را برطرف کند و با محبت و ملاحظت از شاگردانش دلجویی نماید.

### ۱۳. همدردی

یکی از وظایف مهم اساتید و معلمان همدردی با شاگردان و متعلمان است همدردی معلم سبب تسکین دردها و مصائب و مشکلات دانش پژوهان و سبب جلب محبت آنها می‌شود این همدردی می‌تواند در موارد متعددی باشد .

از آنجا که اسلام آیین فطرت است و انسان فطرتاً از زینت لذت می‌برد لذا در احکام به استفاده معقول از زینت سفارش شده است. خداوند متعال زیبایی و زینت را دوست دارد چنانکه در روایتی آمده است ان الله جمیل یحب الجمال و یحب آن پری اثرالنعمة علی عبده» «خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و دوست دارد که اثر نعمتش بر بنده‌اش آشکار باشد»

اگرچه استفاده از زینت و طعام امری فطری و طبیعی است ولی باید با نیازمندان و محرومان نیز همدردی کرد. هر معلمی به اندازه وضع خود می‌تواند با شاگردان و مخاطبانش همدردی کند و با این خصلت زیبا دل‌ها را رهبری نماید .

### ۱۴. ارتباط‌های خصوصی و چهره به چهره

یکی از باید‌های معلمی این است که معلم علاوه بر طرح نکات و مباحث عمومی ارتباط‌های دو به دو داشته باشد و از تاثیر ارتباط چهره به چهره غافل نشود. کلاس‌های عمومی خوب است ولی مهم‌تر از آن ارتباط‌های خصوصی است که می‌تواند در تربیت مخاطبین تاثیر ویژه داشته باشد من تاثیر ارتباط خصوصی و چهره به چهره را در دوران معلمی خود تجربه کرده‌ام و با اینکه به لطف خدای تعالی در تلویزیون مخاطب فراوان دارم اما از جلسات کوچک و محدود نیز غافل نشده‌ام و در کنار کلاس‌های خصوصی به ارتباط‌های خصوصی معتقدم.

### ۱۵. هدایت در گرایش و انتخاب رشته

تدریس و تربیتی موفق است که نیاز فرد و جامعه را حل کند و خیر و برکات بیشتری داشته باشد باید آموخته‌های فرد قابل انتقال به دیگران و کمک‌های امدادی او در دسترس باشد.

با توجه به این اصل مسئولین آموزشی و فرهنگی باید در سیاست‌گذاری‌ها برنامه‌ریزی‌ها و مهندسی‌های علمی به منطقه و جامعه و نیازهای آن و نیز مقاومت در برابر انواع تهدیدها توجه داشته باشند و معلمان و استادان نیز با همین نگاه متعلمان را به رشته‌های مورد نیاز و گرایش‌های ضروری سوق بدهند و بدانند که از مسائلی که در تدریس و تربیت مهم است حق‌گیری است زیرا چه بسا براند کسانی که نیاز جامعه را تشخیص می‌دهند ولی رشته تحصیلی خود را به خاطر تبلیغات استقبال دیگر احتمال درآمد بیشتر یا جایگاه اجتماعی بالاتر بر اساس نیاز جامعه انتخاب نمی‌کنند.

قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَعْطَکُمْ بَوحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنَى وَفَرَدَى» «بگو من شما را به یک سخن پند می‌دهم برای خدا قیام کنید دو نفر دو نفر و یک نفر یک نفر». حضرت علی نیز در این باره می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ ، لَا تَسْتَوِحِسُوا فِي طَرِيقِ الْهَدَى لِقَلْبِهِ اَهْلَهُ» «ای مردم در راه حق از کمی جمعیت نهراسید».

### ۱۶. احترام به همکاران و پیشکسوتان

بر اساس آیات قرآن کریم در بهشت همه به یکدیگر سلام می‌کنند ولی دوزخیان یکدیگر را لعنت می‌کنند .

نماز به ما یاد داده است که روزی ۵ مرتبه به همه افراد شایسته خواه در گذشته و خواه در آینده سلام کنیم «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین».

بنابراین احترام به سایرین و همکاران و همه امت یک ارزش است و در فضای تعلیم و تربیت اهمیت بیشتری دارد.

احترام به دیگران احترام به مقام علم و احترام به خودمان است دیگران را بزرگ بشماریم و زحمات آنها را ببینیم تا دیگران هم زحمات و تلاش‌های ما را ببینند.

قرآن کریم مسلمانان دستور می‌دهد که هرگاه مومن یا استاد یا عالمی وارد جلسه شد به احترام او به پا خیزند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگاه به شما گفته شود در مجالس جا باز کنید پس جا باز کنید تا خدا نیز برای شما گشایش دهد و هرگاه گفته شود برخیزید برخیزید خدا از

میان شما کسانی را که ایمان آورده و کسانی را که صاحب علم و دانش‌اند به درجات رفعت و بزرگی می‌دهد و خداوند به آنچه انجام می‌دهید به خوبی آگاه است».

خداوند در قرآن برای چند گروه جایگاه و درجات مخصوصی قرار داده است انبیا، مجاهدان، نمازگزاران اهل انفاق ،مومنانی که عمل صالح انجام می‌دهند و دانشمندان .

خداوند در آیه «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» نشان دهنده آن است که فرمان بلند شدن به خاطر ورود مومنان و دانشمندان است یعنی به احترام آنها قیام کنیم که نشان دهنده یکی از وظایف معلمی می‌باشد.

#### ۱۷. نظرخواهی و مشورت

نظرخواهی و مشورت<sup>۳</sup> فواید زیادی دارد که بر کسی پوشیده نیست. با مشورت علم انسان اضافه میشود. و دوست و دشمن از هم تمایز پیدا می‌کنند اگر موفق شویم حسودان ما کم می‌شوند. زیرا توفیق ما را به برکت مشورت با خودشان می‌دانند و اگر شکست بخوریم غمخوار پیدا می‌کنیم چون شکست ما را به خاطر مشورت با خودشان می‌دانند. با مشورت کارها پخته تجربه‌ها منتقل و غرور افراد شکسته می‌شود حتی اگر عاقل‌ترین و عادل‌ترین افراد باشیم از مشورت بی‌نیاز نیستیم. وسیله پیامبر و اهل بیت بارها بر مسئله مشورت تاکید شده است لذا لذا هیچکس نباید خودش را بی‌نیاز از آن بداند.

وقتی خداوند به اشرف مخلوقات می‌گوید «با مردم مشورت کن» تکلیف باقی افراد معلوم است: «شاورهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» «و در امور با آنان مشورت کن پس هنگامی که تصمیم گرفتی قاطع باش و بر خداوند توکل کن برآستی خدا توکل کنندگان را دوست می‌دارد».

البته ناگفته نماند که فرمان مشورت در مورد کارهای اجتماعی است، نه فرمان‌های صریح خدا و پیامبر؛ لذا در قرآن کلمه مشورت با کلمه امر آمده است. «و شاورهم فی الامر» یا «و امرهم شوری بینهم». هرگز برای تعداد زکات، نماز، روزه، ماه رمضان، سفر حج، مقدار خمس یا زکات مشورت نمی‌شود چون برای هر یک دستور صریحی در قرآن و حدیث آمده است.

بنابراین همانگونه که نماز عهد الله است و ماحق مشورت در مورد نماز را نداریم امامت نیز عهد الله است و درباره آن نمی‌توان مشورت کرد.

با توجه به اهمیت مشورت و نظرخواهی خوب است که معلم و استاد در خصوص برخی امور درسی یا مسائل و طرح‌ها مشورت کند. هم با شاگردان خود و هم با سایر استادان با تجربه. اگر معلم و استاد طرحی دارد قبلاً با اساتید مشورت کند و بعد به نسل نو منتقل نماید. این کار سبب می‌شود که اگر طرح مشکلی دارد رفع بشود یا اگر برای رسیدن به کمال مطلوبش نیازمند نقد است نقادی و پس از تکمیل و اطمینان عرضه شود.

#### ۱۸. دادن فرصت تحقیق به مخالف

به افرادی که در صدد تحقیق اند فرصت تحقیق و مطالعه بدهیم و آنان را طرد نکنیم در آیه ۶ سوره توبه می‌خوانیم «وإن احد من المشركين استجارك فأجره حتى يسمع كلام الله ثم أبلغه مأمنه ذلك بأنهم قوم لا يعلمون» «و اگر یکی از مشرکان برای تحقیق از تومان و پناه خواست پس به او پناه دهد تا کلام خدا را بشنود سپس او را به مکان امنش برسان چرا که آنان گروهی ناآگاهند و شاید با شنیدن آیات الهی هدایت شوند.»

از این آیه شریفه می‌توان به نکات زیر پی برد:

- راه تفکر و تعقل حتی برای مشرکان مهدورالدم باز است

- حتی دشمن را نباید از رشد فکری بازداشت

- مکتبی که منطق دارد عجله نمی‌کند

- باید امنیت افراد محقق را تضمین کرد

- کفر برخی از جهلشان سرچشمه می‌گیرد و اگر آگاه شوند حق را می‌پذیرند.

#### ۱۹. توجه به آثار جنبی رفتار

<sup>۳</sup> کلمه شور در اصل به معنی مکیدن شیره گل‌ها توسط زنبور است در مشورت کردن نیز انسان بهترین نظریه‌ها را جذب می‌کند مولوی می‌گوید «کاین خرده چون مصابیح انور است؛ بیست مصباح از یکی روشن تر است»

توجه به امور جنبی یکی از نکات مهم در کارهای آموزشی است؛ هم اهمیت دادن به نکات جنبی در آموزش که برکاتی دارد به هم توجه به رفتار و عمل که آثار و پیامدهای جنبی دارد.

اگرچه برای آموزش برنامه‌های رسمی با متونی مشخص وجود دارد ولی استادی موفق است که بتواند با مطالعات جانبی مرتبط و اطلاعات مناسب و بیان شیرین کلاس خود را جذاب‌تر کند چرا که گاهی بیان نکات جنبی، و آثار گفتگوهای حاشیه‌ای از گفتگوهای رسمی بیشتر است مثلاً گاهی گفتگوهای انسان با دوستانش مهمتر از اصل مهمانی است همچنین گاهی آثار و برکات یا مشکلات جمعی یک عمل مهمتر از خود آن است بدگویی و غیبت چند کلمه بیش نیست ولی گاهی باعث نابود شدن آبرویی می‌شود که شخص در طول عمر به دست آورده است و این هشداری به همه به ویژه به کسانی است که در عرصه تعلیم و تربیت تلاش می‌کنند.

در بعضی آیات می‌خوانیم که در قبال برخی کارهای خیر و برکاتی می‌رسید و آن اینکه خداوند بدی‌های شما را به خوبی تبدیل می‌کند این نقطه که هر کار و نیت ما برکات پیدا و پنهانی دارد.

#### ۲۰. سفارش دلسوزانه و استقبال از پیشنهادها

هیچکس نباید خودش را بی‌نیاز از تذکر و نصیحت بداند. کسی در مسائل تعلیم و تربیت موفق‌تر است و دلش قفل نباشد هم راحت بگوید هم راحت بشنود و هم راحت بپذیرد قرآن کریم بارها کلمه «تواصوا» را به کار برده است یعنی یکدیگر را سفارش کنید این کلمه در قالب باب تفاعل و به معنای آن است به سفارش به نیکی‌ها باید طرفینی و به صورت یک جریان عمومی باشد نه یک طرفه.

در قرآن کریم سه نوع تواصی بیان شده است:

- «تواصوا بالحق» در آیه ۳ سوره عصر آمده است در مسیر حق بودن کافی نیست بلکه لازم است دیگران را نیز به مسیر حق دعوت کنیم

- «تواصوا بالصبر» دو بار در قرآن کریم آمده است یک بار در سوره عصر و بعد از آیه تواصوا بالحق و یک بار در آیه ۱۷ سوره بلد که منظور از تواصوا برای کار طرفینی است

- «و تواصوا بالمرحمة» که در برای تاکید است یا برای آن که هر یک از صبر و مرحمت یک تکلیف مستقل هستند و با ترک یکی زمینه دیگری از بین نمی‌رود

یکی از بایدهای معلمی این است که هم در سفارش و توصیه به دیگران احساس وظیفه کند و محترمانه نکاتی را به همکاران و دیگران سفارش نماید و هم از پیشنهادها و دیگران چه همکاران و چه دانش پژوهان و مخاطبان بهره بگیرد و خود را بی‌نیاز نداند در مکتب توحیدی حتی پیغمبری مثل سلیمان از حیوان کوچکی مثل هدهد پیام می‌گیرد و ترتیب اثر می‌دهد.

#### ۲۱. انتقاد پذیری

استادی موفق و محبوب است که انتقاد مصلحانه را بپذیرد چنانکه در دعای مکارم الاخلاق می‌خوانیم: «اللهم وقفني لطاعة من سددني و متابعة من اُرشدني» خدایا مرا به اطاعت و پیروی کسی که مرا به راه سداد و صلاح کند و هدایت نمود موفق ساز.»

مبلغ و معلم باید به انتقادها گوش دهند زیرا گوش ندادن به حقایق صفت کافران کوردل است «و لهم اذان لا يسمعون بها» آنها گوش‌هایی دارند که با آن نمی‌شنوند.

انسان مسلمان به انتقادهای دیگران به دید هدایای ارزشمند می‌نگرد در چشم او کسی که بوبش را گوشزد می‌کند در حقیقت به او هدیه می‌دهد لذا او را محبوب‌ترین برادر خود می‌دانند چنانکه از امام صادق نقل است: «أحبُّ إخواني إلیَّ من أهدی إلیَّ عیوبی.»

#### ۲۲. امیدوار و امیدبخش

از وظایف معلم مسلمان، دلگرم بودن و دمیدن روح امید در کالبد دانشجو است. معلمی موفق است بر اثر امید به وعده‌های الهی هم دلگرم باشد و هم امید را به مخاطب خود تزریق کند.

یاس از رحمت خداوند رحیم جزو گناهان کبیره است و مایوس کردن دیگران به تعبیر قرآن کریم کار شیطان و منافقان.

در حدیث می‌خوانیم که امیرالمومنین فرمودند: فقیه واقعی و اسلام شناس حقیقی کسی است که مردم را از رحمت الهی ناامید نکند وزن گشایش و روح الهی مایوس ننماید و آنان را از مکر خداوند ایمن نسازد.»

مبلغ و معلم امیدوار با قدرت و قوت به راه تبلیغ و تعلیم ادامه می‌دهند کار را جدی دنبال می‌کنند و از سستی پرهیز می‌کنند همچنین استاد و معلم باید دانش پژوهان خود را به آینده روشن امید دهند استادی که دائماً از پیشرفت‌های علمی دانشمندان غربی سخن می‌گوید و کشور خویش خودش را تحقیر و دانشجویان را برای سفر به خارج تحریک می‌کند و به جای امید روح یاس درون آن می‌دمد خیاثتکار است.

### ۲۳. قاطعیت در راه حق و نرسیدن از سرزنش‌ها

قرآن کریم در توصیف انبیای الهی که معلمان بشر هستند می‌فرماید: «ولا یخشون احدا الا الله» «و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند» در حدیث می‌خوانیم که رسول خدا فرمودند: «هنگامی که بدعت‌ها در امت من ظاهر شود بر شخص عالم است که علم خویش را ظاهر سازد و کسی که چنین نکند لعنت خدا بر اوست».

مبلغ مومن و معلم معتقد نیز نباید در راه تبلیغ دین هراسی از سرزنش کنندگان داشته باشد: «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ۗ» «در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ ملامت کننده‌ای نمی‌هراسند».

رسول خدا هنگامی که معاذ را برای تبلیغ به یمن فرستادند به او فرمودند: «در راه خدا از سرزنش سرزنش کنندگان مترس».

معلم و مبلغ واقعی و شجاع آنچه که لازم باشد با قاطعیت به کفار و معاندان پشت می‌کنند با صراحت موضع می‌گیرند

### ۲۴. داشتن حکمت

یکی از وظایف انبیا آموزش کتاب و حکمت است: «و يعلم الكتاب والحكمة» حکمت همتای کتاب آسمانی است و به هر کس عطا شود خیر کثیر را برای او به ارمغان خواهد داشت.

«حکمت» را به معنی معرفت و شناخت اسرار و آگاهی از حقایق و رسیدن به حق دانستند خداوند به بعضی از افراد پاک و با تقوا و پرتلاش عطا می‌کند تا آنان وسوسه پای شیطانی را از الهامات الهی باز بشناسند و چاه را از راه و شعار را از شعور تشخیص دهند و این خیر کثیر است.

بر اساس روایات حکمت همچون نوری است که در جان قرار می‌گیرد و آثار آن در گفتار و رفتار انسان پیدا می‌شود. حکمت بینش و بصیرتی است که اگر در فقیر باشد او را در جامعه از ثروتمند محبوب‌تر می‌کند و اگر در صغیر باشد او را بر بزرگسالان برتری می‌بخشد.

فرد حکیم در مسائل سطحی و زودگذر توقف ندارد توجه او به عاقبت و نتیجه امور است نه نزاع بیهوده‌ای با بالا دست خود دارد و نه زیردستان را تحقیر می‌کند؛ سخنی بدون علم و آگاهی نمی‌گوید و در گفتار و رفتار تناقضی یافت نمی‌شود.

امام خمینی علاوه بر اون که یک مرجع تقلید و سیاستمدار بود مرد حکیمی نیز بود لذا بعد از تسخیر دانه جاسوسی و گرفتن جاسوسان آمریکایی دستور داد تا یکی از آنان را که سیاه پوست بود آزاد کنند و فرمود «به این نژاد در طول تاریخ ظلم شده است» و با این کار حکیمانه همه سیاه پوستان را شاد و هم آمریکا را تحقیر کرد.

در امور آموزشی نظیر گفتار و رفتار و تصمیم حکیمانه ضروری است مانند تنبیه و تشویق، تقابل و تحمل، نگاه تیز تا تبسم، سخت گرفتن و سهل گرفتن.

### ۲۵. اهل ذکر باشد

از ویژگی‌های افراد نخبه و صاحب خرد این است که پیوسته به یاد خدای تعالی هستند و او را مراقب خود می‌دانند از نگاه کتاب آسمانی نشانه خرد ذکر خدای تعالی در هر حال است. قرآن کریم درباره افراد نخبه و صاحب مغز می‌فرماید: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ فِيمَا وُقِعُوا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ» «خردمندان کسانی هستند که ایستاده و نشسته و خوابیده بر پهلو یاد خدا میکنند».

معلم و استادی که الگوست باید چون معلمان الهی اهل ذکر باشد و پیوسته خدای تعالی در نظر داشته باشد و در زندگی روزمره‌اش برنامه‌های منظم معنوی داشته باشد. امکان ندارد که انسان بدون یاد خداوند تعالی موفق باشد و بتواند در متعلمان رشدی ایجاد نماید. علمای بزرگ ما ضمن سخت کوشی در علم آموزی و تعلیم و پژوهش یک برنامه منظم عبادی داشتند و با منطق و منش توحیدی خود توانستند انسان‌های بزرگی را تربیت کنند.

بعضی انسان‌ها اهل علم هستند ولی اهل ذکر نیستند و بعضی انسان‌ها اهل ذکر هستند ولی تحصیلات عالی ندارند.

## ۲۶. توطئه شناسی

معلم و مربی باید هم از توطئه‌های بیگانگان آگاه باشند و هم به مخاطبان خود هشدار بدهند در قرآن کریم آمده است که جمعی است سرشناسان یهود نقشه کشیدند که صبح به پیامبر ایمان بیاورند و غروب از دین او برگردند و بگویند: «ما محمد و آیین او را دیدیم ولی با آنچه در تورات و انجیل آمده است مطابقت ندارد» تا با این کار به دو نتیجه برسند:

اول اینکه سایر یهودیان به فکر مسلمان شدن نیفتند و بگویند آنان که صبح مسلمان شده‌اند شب از دین خود برگشتند؛ دوم اینکه روحیه مسلمانان را تضعیف کنند تا با خود بگویند نکند دین ما ارزشی نداشت و دانشمندان را جذب نکرد؟!

این طراحی و توطئه از طریق وحی به پیامبر اعلام شد و ایشان آن را برای مردم مطرح کرد تا آماده باشند.

بنابراین دشمن حتی با ایمان تاکتیکی و لحظه‌ای درصدد ضربه زدن است چه بسا به اسم سمپاشی قصد تخریب باغ‌ها را داشته باشند چه بسا به قصد تنظیم خانواده مانع تولید نسل بشوند.

دشمن که در دل آرزوی کفر ما دارد در عمل از هیچ توطئه‌ای و نقشه‌ای خودداری نخواهد کرد که باید نسبت به آن هوشیار بود.

## ۲۷. دشمن شناسی

باید خود و شاگردان خود را با دشمن آشنا کنیم قرآن کریم بارها به مسلمانان در خصوص تحذیر از دشمنان هشدار داده است. در آیه‌ای از قرآن کریم در تبیین ماهیت خطرناک دشمنان آمده است:

«أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةَ مَنْ دُونَكُمْ لَا يَأْلُوَنَكُمْ خِيَالًا وُدُّوَا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تَخْفَىٰ صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تُعْقِلُونَ» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از غیر خودتان هم راز نگیرید آنان در تباهی شما کوتاهی نمی‌کنند آنها رنج بردن شما را دوست دارند. همانا کینه و دشمنی از دهانشان پیداست و آنچه دلشان در بر دارد بزرگتر است. به تحقیق ما آیات روشنگر و افشاگر توطئه‌های دشمن را برای شما بیان کردیم، اگر تعقل کنید.»

در این آیه بیان شده است که دشمنان خود را بشناسید و هوشیار باشید چرا که آنان ذره‌ای در توطئه و فتنه علیه شما کوتاهی نمی‌کند و با شگردهای گوناگون درصدد ضربه زدن به شما هستند شگردهایی همچون:

-فساد «لَا يَأْلُوَنَكُمْ خِيَالًا»

-فشار «وُدُّوَا مَا عَنِتُّمْ»

-نفاق «وَمَا تَخْفَىٰ صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ»

دشمن برای ما چه آرزو می‌کند اگر واژه «ود» در قرآن را بررسی کنیم با آرزوهای دشمنان درباره خود پی می‌بریم:

الف) غفلت از سلاح و سرمایه خود «وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغفلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ»

ب) ضعف و سستی و مدهانه و سازشکاری

ج) رنج و فشار و به زحمت افتادن

د) ارتداد و بازگشتن از دین

این آیه در ادامه راه شناخت دوست و دشمن را بیان می‌کند و آن توجه به روحیات و عکس‌العمل دیگران در مواقع کامیابی یا ناکامی مسلمانان است؛ ضمن اون که متذکر می‌شود دوست گرفتن دشمنان ممکن است تابانی سخت داشته باشد و آن اینکه آنان علیه ما توطئه کنند بنابراین شما باید اهل ثبوت و تقوا باشید تا حیل‌های آنان ضربه‌ای به شما نزنند: «إِن تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِن تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ.»

## ۲۸. جدی گرفتن هشدارها

استاد و مربی باید همیشه مخاطب خود را امیدوار کند و در کنار امید خطرها و هشدارهای لازم را بدهد و توجه ویژه به «انذار» داشته باشد؛ چون معمولاً در انسان‌ها انگیزه دفع ضرر قوی‌تر است جلب منفعت است بزار قرآن بر مسئله انذار تاکید کرده است.

مسئولیت هشدار به قدری سنگین است که خداوند تعالی در قرآن کریم جویندگان علوم اسلامی می‌فرماید که بعد از تفقه باید به سوی قوم و قبیله خود برگردند تا آنها را هشدار دهند «ولینذرو قومهم اذا رجعوا الیهم» لذا بت الله به حوزه‌ها و همه آنان که در طلب معارفند دو هجرت لازم است یکی به سوی حوزه‌ها و مراکز علوم دینی و دیگری از حوزه به سوی شهرها به قصد هشدار دادن به قوم و قبیله خود، هشدار از قهر خدا، هشدار از توطئه دشمن، از غفلت و ضعف‌های خود و در یک کلام دشمن شناسی و خطر شناسی. این رسالت خصوصاً در زمان ما اهمیت بیشتری دارد چرا که جبهه کفر پشت به پشت یکدیگر داده‌اند و با بهره‌گیری از رسانه‌ها، فضای مجازی، بودجه‌ها، هنرها، مغزها، سفرها، بوق‌ها و تبلیغات هر کجا را بخواهند تصرف می‌کنند و به شرک و کفر و نفاق، ردائل اخلاقی دامن می‌زنند و در یک کلام بشر را به غفلت از خود خدا و جامعه تشویق و ترغیب می‌کنند.

### ۲۹. سنجش مقدار تاثیر آموزش‌ها ( خودآزمایی)

یکی از کارهای لازم سنجش و خودآزمایی در خصوص مقدار تاثیر علم و خروجی درس‌هاست. چه خوب است که معلم هر از چند گاهی هم خود را با معیارهای قرآنی و روایی بسنجد به هم دانش پژوهان خود را در ترازوی سنجش معارف الهی قرار بدهد. قرآن کریم نهج البلاغه و روایات بهترین معیار سنجش ما هستند تا بدانیم که نتیجه درس خواندن‌ها و دست دادن‌هایمان چیست؟ معلم موفق هم خود را در ترازوی سنجش و نقد قرار می‌دهد و هم معیارها را به دانش پژوهان خود می‌آموزد. ما همه در زندگی خود نیازمند چک لیستی معنوی هستیم تا رشد خود را پیوسته بسنجیم.

### ۳۰. استفاده از همه فرصت‌ها و ظرفیت‌ها

همان گونه که عبادت منحصر به مکان و زمان خاصی نیست (اگرچه در مکان‌های مقدس و زمان‌های خاص افضل است) فیلم آموزشی و تدریس و تبلیغ نیز نباید منحصر به محیط‌های علمی و آموزشی یا فقط در زمان حضور در مدرسه و دانشگاه باشد؛ چرا که تعلیم و تربیت هیچگاه تعطیل بردار نیست. از کارهای شایسته‌ای که اساتید و معلمان محترم می‌توانند انجام دهند توسعه ظرفیت‌های آموزشی و بهره‌گیری از همه ظرفیت‌ها است تا با توجه به برخی از تعطیلی‌ها بتوانند در هر زمان و مکانی که امکان مباحثه مسائل علمی و دینی باشد از آن بهره ببرند و هر چه می‌توانند مانع شکنی کنند و به پیشرفت و رشد بیندیشند.

### ۳۱. رعایت استاندارد و تعلیم منطقی

باید انگونه کلاس داری کنیم و مطالب را انتقال دهیم که دیگر معلمان بتوانند آن را تکمیل کنند؛ نه آنکه کلاس داری ما آنقدر ساده و سطحی و بدون عمق و استدلال و منطقی باشد که استاد دیگر مجبور شود آن را تخریب کند و دوباره بسازد. از چیزهایی که آموزش را مطمئن و هدفمند می‌کند استفاده از متون آموزشی مطمئن است که توسط مراکز معتبر و بر اساس نظام آموزشی تهیه شده باشند.

### ۳۲. قالب سازی نه قالب پذیر

اگرچه نظر خواهی و مشورت امر پسندیده‌ای است اما هر نظر و مشورتی مورد پذیرش نیست گاهی بنا به دلایلی نمی‌توان از جمع و محیط تبعیت کرد بلکه لازم است با شهامت قدم برداشت و اقدامی نمود لذا معلم با تجربه کسی است که قالب ساز باشد نه قالب پذیر. بسیار کسانی که با شعار «خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو» در طول عمرشان قدمی یا کلامی خلاف مسیر عموم بر نمی‌دارند و در هیچ موردی خط شکن و قالب ساز نیستند؛ بلکه همیشه قالب پذیرند و به اصطلاح نان را به نرخ روز می‌خورند و به هر سمت سویی که باد می‌آید متمایل می‌شوند. در مقابل این افراد افرادی هستند قالب ساز و خط شکن که هیچ نظام اقتصادی سیاسی اجتماعی خانوادگی مانع تصمیم بر حق آنان نمی‌شود و به قول قرآن: «لا یخافون فی الله لومه لائم» امیا و اولیای الهی از این گروه بودند.

### ۳۳. آشنایی با مشکلات دیگران

اگر انسان فقط به مشکلات خود توجه کند ناراحت و گلایه‌مند و بی‌نشاط می‌شود اما اگر نیم نگاهی به مشکلات دیگران داشته باشد ظرفیت او بالا، روح او بزرگ و در برابر مشکلات مقاوم‌تر می‌شود.

قرآن به پیامبرش می‌گوید: مقاومت و صبر داشته باش کما اینکه پیامبران اولوالعزم دیگر صبر کردند.

آشنایی با مقاومت و صبر دیگران برای انسان مایه تسلی و دلداری است به ویژه در حوزه تعلیم و تربیت؛ چرا که علما و دانشمندان ما هم در تعلیم و تدریس و هم در پژوهش و تحقیق ش‌های کمرشکنی کرده‌اند و در زندگی‌نامه و خاطرات آنان بخش‌هایی از این تلاش‌ها و سبک‌ها آمده است، برای همه معلمان محترم آشنایی با این اسوه‌های تعلیم و تربیت امری ضروری است.

#### ۳۴. آشنایی با فرهنگ و گویش مخاطبان

آشنایی با فرهنگ و ادبیات و ضرب‌المثل‌های مخاطبان که از کارهای شایسته برای برقراری ارتباط بهتر و انتقال آسان‌تر مفاهیم است مثلاً قرآن کریم «ز قوم» را پذیرایی و خوراک گناهکاران در جهنم معرفی کرده است. «ز قوم» گیاه زهداری که در بادیه‌ها می‌روید و اگر برگشت‌کننده شود از جای آن شیرهای بیرون می‌آید که به هر جای بدن برسد ورم می‌کند. قرآن در توصیف این درخت می‌فرماید: «طَلْعَهَا كَأَنَّ رَعْوَسَ الْأَشْيَاطِينَ» «خوشه‌ها و شکوفه آن مانند سرهای شیطان است» از آنجا که شیطان در فرهنگ مسلمانان به موجودی زشت و بد ذات و خبیث گفته می‌شود در این آیه می‌فرماید: شکوفه‌های درخت «ز قوم» به جای آنکه زیبا و دلبر باشد گویا سرهای شیطان است. همچنین در فرهنگ مردم فرشته مظهر خوبی و کرامت است تا آنجا که زنان مصر در ستایش یوسف گفتند: «ان هذا الا ملک کریم».

قرآن کریم در جای دیگر برای توصیف صحنه قیامت می‌فرماید: «وَ إِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ» و «آنگاه که شتران باردار به حال خود رها شوند» «عشار» جمع «عشرا» به معنای شتر حامله ۱۰ ماهه است که نزد عرب با ارزش‌ترین اموال محسوب می‌شده است.

### فصل دوم: نکات مهم مهارت معلمی استاد محسن قرائتی

۱- کار پیامبران تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه بوده است. معلمی انتقال علم و تجربه، انقاد غریق و کلید عزت بصیرت و مصونیت است چنانچه که در سوره الرحمن می‌خوانیم «الرحمن علم القرآن» خداوند رحمان قرآن را تعلیم فرمود. ۱۳ آیه در قرآن به سوال‌های مردم از پیامبر اکرم اختصاص یافته که با کلمه «یسئلونک» همراه است این نشان می‌دهد که پیامبر معلم مردم بوده است.

۲- در قرآن کریم بعد از نام مبارک الله بیشترین نامی که برای خدا به کار رفته رب است ناگفته پیداست ربوبیت زمانی کامل است که بر اساس علم، حکمت، مصلحت، رحمت باشد که خداوند همه را دارد. معلم تنها علم خود را منتقل نمی‌کند بلکه همه کمالات را با رفتار و گفتار و اخلاق خود به دیگران منتقل می‌کند، زمانی که شاگرد به یأس گرایش پیدا می‌کند روح امید را در او بدمد و هنگامی که شاگرد به غرور گرایش پیدا می‌کند او را هشدار دهد.

امام سجاد در دعای مکارم الاخلاق که از خداوند می‌خواهد: «الهی اطنئی بالهدی و الهمنی التوی، خدایا زبانت را به هدایت باز کن و تقوا را به من الهام کن. انسانی که به این مقام برسد خدایی می‌شود و همین که خدایی شد می‌تواند همه امکانات و ابزارها را در مسیر رضای خدا به کار گیرد و انسان‌های خدایی تربیت کند

۳- موجودات به چهار دسته تقسیم می‌شوند جامدات، نباتات، حیوانات و انسان‌ها. اگر انسان درست تربیت شود از فرشته برتر می‌شود و اگر منحرف گردد از هر حیوانی پست‌تر خواهد شد معلم نمی‌گذارد که گوهر انسانیت نابود و مغفول شود غفلت انواعی دارد:

- عده‌ای از خدا غافل‌اند (نسوا الله)

- عده‌ای از قیامت غافلند (نسوان یوم الحساب)

- عده‌ای از وظیفه خود غافلند (کذلک اتک آیاتنا فنسیتها)

- عده‌ای از محرومان غافلند (ولم نک نطعم المسکین)

- عده‌ای از توانمندی‌های خود غافلند و نمی‌دانند که چه موجودی هستند

- عده‌ای از ارزش عمر خود غافلند به عمر خود را صرف کارهای لغو می‌کنند

۴- آیه «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ». یکی از نشانه‌های برتری اعمال ماندگاری آثار آن است چنانچه که حضرت ابراهیم از خدا خواست که در تاریخ ماندگار باشد «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ» و خداوند کلمه توحید را در میان نسلش کلمه ماندگار قرارداد باشد که آنان بازگردند. معلم باید بداند که ماندگارترین کار تعلیم و تربیت است آن هم بر روی نسل جوان که تاثیر پذیری و ماندگاری آن بیشتر است.



۵- قرآن کریم یکی از وظایف انبیا را رهاسازی افکار جامعه از غل و زنجیرهایی برشمرده است که به آن گرفتار شده بودند: " وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ " و از آنان بار گران و بندهایی را که بر آنان بوده است، برمیدارد. علم حقیقی نگاه انسانی را توحیدی می‌کند در حدیث می‌خوانیم: « تَمَرَّةُ الْعِلْمِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ » ثمره علم شناخت خداوند است. و همچنین: " تَمَرَّةُ الْعِلْمِ الْعِبَادَةُ " ثمره علم، بندگی خداوند است. مشکل بزرگ امروز جامعه بشری جدا شدن «افرا» از «اسم ربک» جدا شدن «یعلّمهم» از «یزکیهم» جدا شدن مادیات از معنویات جدا شدن دنیا از آخرت و در یک کلام جدا شدن علم از دین است معلم ربانی هادی و ناجی است ورزش کار او به حیات دل‌ها و نجات انسان است.

۶- علم را مقدس بدانیم، اسلام برای آموزش هیچ محدودیتی قائل نیست:

-نه محدودیت زمانی: از گهواره تا گور علم بیاموزیم

-نه محدودیت مکانی: اگر علم در ثریا باشد مردانی از فارس به آن می‌رسند

-نه محدودیت جغرافیایی: دانش را بجویند گرچه در چین باشد

-نه محدودیت مقداری: چرا از هر گروهی از مردم دسته کوچ نمی‌کنند تا در دین فقیه شوند

-نه محدودیت جانی: عبارت «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلْبِ الْإِهَامِ لَطَلَبُوهُ وَلَوْ بِسَفْكِ الْمَهْجِ وَخَوْضِ اللَّجْجِ» اگر مردم ارزش علم را می‌دانستند به سراغ آن می‌رفتند گرچه به قیمت جان خود و فرو رفتن در امواج دریا باشد

-نه محدودیت انسانی: «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوْرِي سَوَاءَ أُخِيهِ» از خداوند زاغی را فرستاد به زمین را می‌کاوید تا به او نشان دهد که چگونه کشته برادرش را بپوشاند و دفن کند

-نه محدودیت مکتبی این سخن پیامبر اسلام که «بهای آزادی کسانی که در جنگ اسیر می‌شدن آموزش خواندن و نوشتن به ۱۰ نفر از مسلمانان قرار دارد» نشان دهنده نه به محدودیت مکتبی می‌باشد

خداوند با این روش به انسان اولیه آموخت که چگونه مرده خود را دفن کند: «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوْرِي سَوَاءَ أُخِيهِ» از خداوند زاغی را فرستاد به زمین را می‌کاوید تا به او نشان دهد که چگونه کشته برادرش را بپوشاند و دفن کند

۷- حیات اقسام مختلفی دارد گیاهی، حیوانی، فکری و ابدی. مقصود از حیاتی که با دعوت انبیا فراهم می‌آید حیات حیوانی نیست چون این نوع حیات بدون دعوت انبیا نیز وجود دارد بلکه مقصود حیات فکری، عقلی، معنوی، اخلاقی، اجتماعی و در یک کلام حیات انسان در تمام زمینه‌هاست

۸- تکلف این است که انسان کاری را با مشقت و تصنع انجام دهد در زندگی، کار، پوشش، گفتار و رفتار به خود سخت بگیرد مقید به پوشش پاس مدرسه خاص شاگردان ویژه و باشد و در یک کلام برای خود شائیتی ویژه قائل شود.

پیامبر اسلام به مردم میفرمود: « مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ، مَنْ أَهْلُ تَكَلْفٍ لَيْسَتْهُمْ.»

نشانه بی تکلفی سلام کردن به همه افراد، رفت و آمد با طبقه محروم، کمک کردن به همسر، توقع نداشتن از مردم، اقرار کردن به جهل و اقرار به برتری دیگران می‌باشد. صفحه

۹- الف- اگر انسان به دست این و آن چشم بدوزد گرفتار می‌شود. ستایشگر گروهی می‌شود که به او کمک می‌کنند و از گروهی انتقاد می‌کند که به او کمک نمی‌کنند

ب- اخلاص، دانشگاهی است که ۴۰ روزه فارغ التحصیل بیرون می‌دهد. در روایات می‌خوانیم: «هر کس ۴۰ روز کارهای خود را خالصانه قرار دهد خداوند چشمه‌های حکمت را از قلبش بر زبانش جاری می‌کند»

ج- اگر ایمان و توحید قوی باشد و بدائیم کمی و زیادی ما فقط به دست خداست به آرامش و اخلاص می‌رسیم اگر بدائیم روزی به داشتن ثروت نیست بلکه روزی حقیقی در کامیابی است اخلاص می‌رسیم.

۱۰- در اسلام فارغ التحصیل نداریم زیرا خداوند متعال به پیامبرش می‌فرماید «وقل رب زدنی علما» «بگو پروردگار علم مرا زیاد کند» این آیه اشاره می‌کند که همه باید در فکر تحصیل علم باشیم و خود را فارغ التحصیل نداند.

امام صادق فرمود «علوم ما در هر شب و روز زیاد می‌شود و اگر اضافه نشود ذخیره‌های علمی ما از بین می‌رود». در حدیث می‌خوانیم «داناترین مردم کسی است که علم مردم را به علم خودش اضافه کند»

۱۱- معلم و مربی باید در جامعه حضور داشته باشد در بعضی آیات واژه «رسول» با «فیهیم» و «منهم» آمده است یعنی رسولی که از مردم و بین آنهاست و با آنها زندگی می‌کند. در بعضی آیات نیز عبارت «والذین معه» آمده است که همراهی رسول و مردم را می‌رساند بنابراین از مردم، در مردم و با مردم بودن ارزشمند است. معلم و استادی موفق است که شاگردان او به راحتی بتوانند به او دسترسی پیدا کنند. در اولین آیه سوره مجادله می‌خوانیم: «قد سمع الله قول الی تجادلک فی زوجها» این آیه دلالت دارد که زن عادی می‌تواند به شخص پیامبر دسترسی پیدا کند و مشکلاتی را که با همسرش داشت مطرح نماید این نشانه مردمی بودن آن حضرت است

۱۲- رعایت انصاف در نقد افراد بسیار مهم است؛ یعنی اگر به فردی اعتقاد داریم نقاط قوت او را هم بگوییم قرآن کریم با اینکه به برخی از یهودیان به خاطر رباخواری، تحریف تورات ترس از دشمن و ورفاه طلبی انتقادات متعددی دارد، اما بعضی از آنان را به خاطر امانت داری ستایش کرده و فرموده است: "وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ" «بعضی از اهل کتاب تا به اون حد درست کارند که اگر مال بسیاری را به آنها امانت دهی آن را پس می‌دهند»

۱۳- یکی از راه‌های ایجاد صمیمیت، محبت کردن است محبت، قویترین یا یکی از قویترین ابزارهای تربیتی است. خداوند متعال در خصوص پیامبرش می‌فرماید: لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ. «همانا پیامبری از خودتان به سوی شما آمده است که آنچه شما را برنجاند بر او سخت است، بر هدایت شما حریص و دلسوز، و به مؤمنان رئوف و مهربان است.»

۱۴- معلمی کردن به رشد است یک معلم باید اول خودش رشد کند تا بتواند دیگران را رشد دهد باید اول خودش هدایت شود تا بتواند دیگران هدایت بکند. امیرالمومنین «ثمره و نتیجه علم را عمل، حلم، تواضع، حیات، حسن خلق، آگاهی، بیداری، استقامت، عبادت، طلب نجات و اخلاص در عمل دانسته است. همچنین در کلام دیگر فرمودند «میوه و ثمره علم با زیبایی عمل چیده می‌شود نه با زیبایی گفتار و سخن»

۱۵- شرط قبول عبادات در اسلام طهارت است پوشیدن پاکیزه‌ترین لباس‌ها در نماز برای عبادت سفارش شده است. جهاد، پاک کردن جامعه از افراد مفسد است و امر به معروف و نهی از منکر، پاکی جامعه از خلافکاری است. کسانی که با تدریس و تبلیغ بنای اثرگذاری دارند باید به ظاهر خود برسند همچنین کلاس تمیز، هوای جاری، نور مناسب و استفاده از رنگ‌های روشن بر تاثیر تدریس می‌افزاید.

۱۶- در موفقیت هر کاری از جمله تبلیغ و تدریس و تربیت داشتن سابقه نیک و محبوبیت نقش مهمی دارد. چه بسا کلامی از زبان یک فرد خوش نام موثر باشد اما همان کلام از زبان فردی ناشناس نتواند اثر بگذارد.

در صورتی که معلم و استاد شناخته شده باشند مورد انکار قرار می‌گیرند "أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ" «یا اینکه پیامبرشان را شناختند و از سوابق او آگاه نیستند پس برای همین او را انکار می‌کنند؟»

۱۷- از وظایف هر مربی و استاد آن است که واقع‌گرا باشد و نسل نو را نیز واقع‌گرا تربیت کند نه خیال‌گرا، نه غرب‌گرا، نه شرق‌گرا، نه درونگرا، نه برونگرا، و نه فردگرا و نه جمع‌گرا. اشکال دپروز و امروز فردای بشر دوری از واقع‌گرایی و تکیه بر موهومات خیالات، تبلیغات، عناوین، آمار و زرق و برق‌هاست. قرآن کریم که بهترین کتاب تعلیم و تربیت است در آیات متعددی انسان را به واقع‌گرایی دعوت کرده و فرمود «که قهر و مهر خدای تعالی بر اساس واقعیات است نه آرزوها.»

۱۸- یکی از دلایل سفارش‌های بسیار اسلام در مورد مسجد اعتقاد داشتن مستمر مسلمانان با هم و با خبر بودن از مشکلات یکدیگر است؛ چون مسجد تنها جایی است که همه مردم از کوچک و بزرگ زن و مرد مشغول و گمنام همیشه و در هر شرایطی بدون اجبار و فقط برای خدا در آن جمع می‌شوند و هیچ فرد و صنفی در مسجد امتیازی ندارد.

۱۹- واژه "صف" که به معنای نظم و انضباط است، هفت بار در قرآن آمده است. امام علی (ع) فرمود: «أَوْصِيكُمْ بِأَهْلِ بَيْتِي وَ أَهْلِ بَيْتِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ» شما دو فرزندم و همه فرزندان و خانواده‌ام و تمام کسانی که در طول تاریخ نامه من به آنها می‌رسد را به تقوا و نظم در کارها سفارش می‌نمایم.»

همچنین روزی حضرت امام در مسجد سلماسی به شاگردان فرمودند: «اگر می‌خواهی به درس من بیایی با نظم باشی و همگی جلوی در مسجد به هم برسید؛ حتی فاصله منزل تا مسجد را باید حساب کنیم»

۲۰- یکی از کمالات مربی و معلم و استاد حمایت از محرومان است. در طول تاریخ بیشترین یاران و پیروان رسولان الهی، مستضعفان و محرومان بودند و بیشترین سختی رسالت انبیا نیز بر دوش آنان بوده است.

بنابراین مبلغ و مربی باید از آنها حمایت کند و از طرد آنان بپرهیزند؛ «وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ» «و کسانی را که بامداد از شامگاه پروردگارشان را می خوانند در حالی که رضای او را می طلبند از خود مران. چیزی از حساب آنان بر عهده تو نیست و از حساب تو چیزی بر عهده آنان نیست که طردشان کنی و در نتیجه از ستمکاران شوی»

۲۱- نوگرایی به معنای تزریق مفاهیم و برداشت‌های تازه و تأیید شده توسط صاحبان تجربه و علم است و گرنه صرف نوگرایی بدون پشتیبان تحقیق و تأیید علما و دانشمندان ارزشی ندارد.

۲۲- اسلام به طرفداران خود هم غذای فکری می دهد ( حکمت ) و هم غذای روح ( موعظه حسنه ) و با مخالفان خود نیز برخوردی منطقی دارد ( جدال احسن ) معلم باید با توجه به ظرفیت و سطح مخاطب روش دعوت را انتخاب نماید

۲۳- هجرت اختصاص به پیامبر اکرم ندارد بلکه هجرت از محیط شرک، کفر و گناه برای حفظ دین و ایمان یا برای دوری از نافرمانی خداوند برهر مسلمانی لازم است هجرت علاوه بر آموختن علم و دانش برای بیان آموخته‌های خود به دیگران نیز لازم است قرآن بارها به سفرهای علمی و تجربی با دستور «قل سیر فی الارض» سفارش کرده و کسانی را که هجرت نمی کنند با جمله « افلم یسیروا » توبیخ نموده است

۲۴- ارتباط‌های خصوصی و چهره به چهره: یکی از بایدهای معلمی این است که معلم علاوه بر طرح نکات و مباحث عمومی ارتباط‌های دو به دو داشته باشد و از تاثیر ارتباط چهره به چهره غافل نشود. کلاس‌های عمومی خوب است ولی مهم تر از آن ارتباط‌های خصوصی است که می تواند در تربیت مخاطبین تاثیر ویژه داشته باشد

۲۵- به افرادی که در صدد تحقیق اند فرصت تحقیق و مطالعه بدهیم و آنان را طرد نکنیم در آیه ۶ سوره توبه می خوانیم « وَاِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ » و اگر یکی از مشرکان برای تحقیق از شما بخواهد تا کلام خدا را بشنود سپس او را به مکان امنش برسان چرا که آنان گروهی ناآگاهند و شاید با شنیدن آیات الهی هدایت شوند.

از این آیه شریفه می توان به نکات زیر پی برد:

-راه تفکر و تعقل حتی برای مشرکان مهذورانم باز است

-حتی دشمن را نباید از رشد فکری بازداشت

-مکتبی که منطقی دارد عجله نمی کند

-باید امنیت افراد محقق را تضمین کرد

-کفر برخی از جهلشان سرچشمه می گیرد و اگر آگاه شوند حق را می پذیرند

۲۶- در قرآن کریم سه نوع تواصی بیان شده است:

در قرآن کریم سه نوع تواصی بیان شده است:

-«تواصوا بالحق» در آیه ۳ سوره عصر آمده است در مسیر حق بودن کافی نیست بلکه لازم است دیگران را نیز به مسیر حق دعوت کنیم

-«تواصوا بالصبر» دو بار در قرآن کریم آمده است یک بار در سوره عصر و بعد از آیه تواصوا بالحق و یک بار در آیه ۱۷ سوره بلد که منظور از تواصوا برای کار طرفینی است

-«و تواصوا بالمرحمة» که در آیه ۱۷ سوره بلد آمده است و با ترک یکی زمینه دیگری از بین نمی رود

۲۷- استادی موفق و محبوب است که انتقاد مصلحانه را بپذیرد چنانکه در دعای مکارم الاخلاق می خوانیم: «اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي لِمَا أَحْسَنُ مِنْ سَدِّدِي وَمَتَابِعَةٍ مِنْ أَرْشَدْتَنِي» خدایا مرا به اطاعت و پیروی کسی که مرا به راه سداد و صلاح کند و هدایت نمود موفق ساز. مبلغ و معلم باید به انتقادها گوش دهند زیرا گوش ندادن به حقایق صفت کافران کوردل است «و لهم اذان لا یسمعون بها» آنها گوش‌هایی دارند که با آن نمی شنوند.

۲۸- حکمت را به معنی معرفت و شناخت اسرار و آگاهی از حقایق و رسیدن به حق دانستند خداوند به بعضی از افراد پاک و با تقوا و پرتلاش عطا می کند تا آنان وسوسه پای شیطانی را از الهامات الهی باز بشناسند

بر اساس روایات حکمت همچون نوری است که در جان قرار می گیرد و آثار آن در گفتار و رفتار انسان پیدا می شود

۲۹- دشمن شناسی: «إِيَّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُؤًا مَّا عَنْتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تَخْفَىٰ صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از غیر خودتان هم راز نگیرید آنان در تباهی شما کوتاهی نمی‌کنند آنها رنج بردن شما را دوست دارند. همانا کینه و دشمنی از دهانشان پیداست و آنچه دلشان در بر دارد بزرگتر است. به تحقیق ما آیات روشنگر و افشاگر توطئه‌های دشمن را برای شما بیان کردیم، اگر تعقل کنید».

در این آیه بیان شده است که دشمنان خود را بشناسید و هوشیار باشید چرا که آنان ذره‌ای در توطئه و فتنه علیه شما کوتاهی نمی‌کند و با شگردهای گوناگون درصدد ضربه زدن به شما هستند شگردهایی همچون:

-فساد «لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا»

-فشار «وَدُؤًا مَّا عَنْتُمْ»

-نفاق «وَمَا تَخْفَىٰ صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ»

۳۰- قالب سازی نه قالب پذیر: اگرچه نظرخواهی و مشورت امر پسندیده‌ای است اما هر نظر و مشورتی مورد پذیرش نیست گاهی بنا به دلایلی نمی‌توان از جمع و محیط تبعیت کرد بلکه لازم است با شهامت قدم برداشت و اقدامی نمود لذا معلم با تجربه کسی است که قالب ساز باشد نه قالب پذیر.

۳۱- آشنایی با فرهنگ و ادبیات و ضرب‌المثل‌های مخاطبان که از کارهای شایسته برای برقراری ارتباط بهتر و انتقال آسان‌تر مفاهیم است مثلاً قرآن کریم «ز قوم» را پذیرایی و خوراک گناهکاران در جهنم معرفی کرده است. «ز قوم» گیاه زهرداری که در بادیه‌ها می‌روید و اگر برگشت کنده شود از جای آن شیرهای بیرون می‌آید که به هر جای بدن برسد ورم می‌کند. قرآن در توصیف این درخت می‌فرماید: «طَلَعَهَا كَأَنَّ رَعُوسَ الشَّيْطَانِ» «خوشه‌ها و شکوفه آن مانند سرهای شیطان است» از آنجا که شیطان در فرهنگ مسلمانان به موجودی زشت و بد ذات و خبیث گفته می‌شود در این آیه می‌فرماید: شکوفه‌های درخت «ز قوم» به جای آنکه زیبا و دلبر باشد گویا سرهای شیطان است. همچنین در فرهنگ مردم فرشته مظهر خوبی و کرامت است تا آنجا که زنان مصر در ستایش یوسف گفتند: «ان هذا الا ملک کریم».

ایران عرضه

مرجع نمونه سوالات

آزمون های استخدامی

به همراه پاسخنامه تشریحی

خدمات ایران عرضه:

- ارائه اصل سوالات آزمون های استخدامی
- پاسخنامه های تشریحی سوالات
- جزوات و درسنامه های آموزشی

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات استخدامی مهارت معلمی، اینجا بزنید

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات کنکور اختصاصی دانشگاه فرهنگیان، اینجا بزنید

« انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه، مجاز می باشد »

